

دادگاه عالی اوتاریو:
سرنگونی هواپیمای
اوکراینی بر فراز تهران
عمدی و تروریستی بود



سه محور همکاری ناتو
با افغانستان پس از خروج؛

نیروهای ویژه در خارج آموزش داده می‌شوند

اطلاعات روز: ینس استولتنبرگ، دبیرکل سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) گفته است که همکاری‌های این سازمان با نیروهای افغان پس از خروج نیروهای خارجی از این کشور...

صفحه ۲

عبداللہ:

طالبان قادر به تصرف افغانستان نخواهند شد



صفحه ۲

از سرکوب تا عقب‌نشینی

در یک ماه ارتش چندین کندک و قرارگاه را در ولایت‌های غرب کشور رها کرده است

دست کم طی یک ماه اخیر نیروهای ارتش از چندین قرارگاه در ولایت‌های غربی کشور...

صفحه ۷

یادداشت روز

کوتاهی دوامدار در پشتیبانی نیروهای امنیتی

طالبان صبح دیروز جمعه موفق شدند ولسوالی جلریز ولایت میدان وردک را سقوط دهند. ظاهراً طالبان توانسته که کنترل مرکز این ولسوالی را به‌شمول ساختمان فرماندهی پولیس و تمام ملحقات آن را به‌دست بگیرند. وزارت دفاع کشور نیز سقوط این ولسوالی را تأیید کرده است، اما به‌دنبال سقوط این ولسوالی، وزارت دفاع از آغاز عملیات پاکسازی خبر داده است. برپایه‌ی گفته‌های وزارت دفاع هنگام عملیات پس‌گیری به طالبان تلفات جانی نیز وارد شده است. به‌نظر می‌رسد با سقوط این ولسوالی طالبان به امکانات جنگی زیادی دست یافته است. منابع تأیید می‌کنند که به‌رغم افتادن جنگ‌افزارهای زیادی، ده‌ها سرباز نیروهای امنیتی نیز به‌دست طالبان اسیر شده‌اند.

ظاهراً آنچه در ولایت میدان وردک اتفاق افتاده یک فاجعه امنیتی است. گفته می‌شود دلیل اصلی سقوط این ولسوالی نرسیدن حمایت به‌موقع به نیروهای گیرافتاده بوده است. مهدی راسخ، نماینده ولایت میدان وردک در مجلس گفته است که آنچه در ولسوالی جلریز اتفاق افتاده مشکوک است...

۲

سقوط ولسوالی جلریز؛

وزارت دفاع از آغاز عملیات پاکسازی در این ولسوالی خبر داد



صفحه ۲

ترجمه ۴

یازده روز آتش و خون؛ بحران اخیر غزه چگونه شکل گرفت؟

می‌دهد. طی جنگ اخیر غزه دست کم ۲۳۰ فلسطینی به‌شمول زنان و کودکان کشته شدند. اسرائیل نیز گزارش داده که در نتیجه‌ی راکت‌پراکنی حماس به این کشور دست کم ۱۲ اسرائیلی کشته شده است. کابینه امنیتی اسرائیل پس از یک جلسه شبانه اعلام کرده که طرح آتش‌بس پیشنهادی مصر «به‌طور متقابل و...»

اشاره: ساعات نخست روز جمعه دولت اسرائیل اعلام کرد که «کابینه امنیت سیاسی به اتفاق آرا و توصیه همه مقامات امنیتی، ابتکار مصر برای آتش‌بس بی‌قید و شرط دوجانبه را پذیرفت، که در موعد بعدی اعمال خواهد شد.» آتش‌بس میان اسرائیل و حماس به ابتکار مصر به اجرا درآمده و به ۱۱ روز درگیری میان دو طرف پایان

تحلیل ۵



جنبانند حلقه‌ی اقبال ناممکن

حتماً شنیده‌اید که فلائی نیک‌بخت است که حویلی بزرگی دارد. در پایتخت پُرجمعیت کشور ما خیلی خوب است که آدم حویلی بزرگی داشته باشد. اگر تا نیم کیلومتری محیط بیرونی این حویلی بزرگ هیچ خانه‌ی دیگری نباشد، بهتر است. اگر این نیم کیلومتر با چمن سبز پوشیده باشد...

تحلیل

«رستاخیز بازماندگان»؛ فراخوانی به سوی همدلی و تغییر

مرور زمان «رستاخیز بازماندگان»

زمان «رستاخیز بازماندگان» اخیراً توسط انتشارات زریاب در کابل به چاپ رسیده است. این زمان ۳۶۱ صفحه‌ای را آقای یونس صالحی نوشته است. «رستاخیز بازماندگان» روایت گذشته‌ی تلخ مردم هزاره است و در این میان به صورت خاص به ماجرای هفت سال جنگ هزاره‌ها در برابر عبدالرحمان خان پرداخته شده است. زمان به لحاظ سبک داستانی واقع‌گرایانه روایت شده است و به همین ترتیب اکثریت شخصیت‌های این داستان نیز شخصیت‌های تاریخی و واقعی اند، مثلاً کسانی چون گل‌بیگم و شیرین هزاره. زمان در بیش از ۳۵۰ صفحه به وضعیت فرهنگی، روابط تجاری، وضعیت تحصیلی و در کل وضعیت زندگی هزاره‌ها و...

۳

بسته های ویژه اینترنتی برای
بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی



AFGHANET

ادامه‌یادداشت‌روز

او گفته به‌رغم فشارهای زیاد و زمینه‌ی حمایت به‌موقع سربازان گیرافتاده، وزارت‌های دفاع و داخله کاری نکرده‌اند و در نتیجه این فاجعه امنیتی رخ داده است. اولین بار نیست که به‌دلیل تعلق در حمایت از نیروهای گیرافتاده در میدان جنگ مراکز ولسوالی‌ها و ساحات تحت کنترل نیروهای امنیتی سقوط کرده است. این سناریو در افغانستان تکراری و فاجعه‌بار بوده است، بارها در حالت اضطرار به تکرار سربازان گیرمانده در جنگ درخواست کمک کرده‌اند، ولی کسی صدای آن‌ها را نشنیده و گاهی فاجعه انسانی خلق شده است. مواردی اتفاق افتاده که رهبری نیروهای امنیتی از طریق میکانیزم رسمی به درخواست‌های مکرر برای حمایت از نیروهای گیرافتاده در میدان جنگ در مدت چندین روز پاسخ نداده و از سر ناگزیری سربازان دست به دامن شبکه‌های اجتماعی شده‌اند.

این روزها نیروهای امنیتی افغانستان با امکانات اندک، اما روحیه بالا بار سنگین جنگ را به دوش می‌کشند. فرزندان مردم که در صفوف نیروهای امنیتی شب و روز برای دفاع از کشور می‌جنگند، از هیچ فداکاری دریغ نمی‌کنند. آن‌ها با کم‌ترین امکانات صادقانه مأموریت‌شان را انجام می‌دهند. اما ضعف مدیریت، فساد و سهل‌انگاری در سطوح مدیریتی به چنین فاجعه‌هایی می‌انجامد. این مشکل سبب شده است که در جنگ‌ها هماهنگی نیروها در سطوح استراتژیک، تاکتیکی و عملیاتی از بین برود و سربازان زیادی را به کام مرگ فرستاده شوند.

شاید به اندازه این روزها برای افغانستان، به‌ویژه نیروهای امنیتی هیچ دوران سخت‌تر نبوده است. طالبان پس از شروع خروج نیروهای بین‌المللی، همزمان با چندین ولایت بر شدت جنگ افزوده‌اند. مهم‌ترین هدف طالبان دست‌یافتن به مناطق بیشتر و رسیدن به آرمان سقوط جمهوری اسلامی است. هرچند در یک ماه گذشته در مقایسه به آنچه طالبان در سر داشتند، این گروه در میدان جنگ دست‌آوردی چندانی نداشته است. اما در هفته‌های اخیر اتفاق‌هایی رخ داده که قابل نگرانی است. دیروز ولسوالی جلریز سقوط کرد. قبل از آن، در هفته‌های اخیر چهار ولسوالی در ولایت‌های میدان‌وردک، بغلان و لغمان سقوط کرده است. جندی پیش ولسوالی‌های بُرکه‌ی بغلان و نرخ میدان‌وردک و به تعقیب آن، روز پنج‌شنبه هفته پیش ولسوالی دولت‌شاه ولایت لغمان به‌دست طالبان سقوط کرد. همچنین در یک ماه گذشته، در ولایت‌های غربی کشور چندین قرارگاه و کدک نیروهای ارتش یا تخلیه شده یا طالبان آن‌ها را سقوط داده‌اند.

هم از نظر استراتژی نظامی و هم از منظر سیاسی، حمایت به‌موقع از نیروهای امنیتی و جلوگیری از سقوط مراکز و مناطق تحت حاکمیت دولت، برای حکومت کم‌هزینه و به‌صرفه است. از نظر نظامی پس‌گیری مناطق سقوط داده‌شده هزینه بیشتری روی دست حکومت می‌گذارد. وقتی یک ولسوالی سقوط می‌کند، امکانات جنگی فراوان به‌دست دشمن می‌افتد. سربازان زیادی یا جان‌های‌شان از دست می‌دهند یا اسیر طالبان می‌شوند. از نظر سیاسی نیز وقتی مرکز یک ولسوالی یا یک قرارگاه ارتش سقوط می‌کند، طالبان یک قدم بیشتر روایت جنگ را به نفع‌شان تغییر می‌دهند؛ حتی اگر دوباره این مناطق از دشمن پس گرفته شود. اگر نیروهای امنیتی خط مقدم به‌موقع و به‌درستی اکمال و جنگ مدیریت شود، سقوطی اتفاق نمی‌افتد.

یکی از شاخص‌ها که برتری طرف‌های یک جنگ را تعریف می‌کند، وسعت قلمرو است. طالبان به همین دلیل و در آستانه‌ی نشست استانبول می‌کوشند مناطق بیشتری را در اختیار بگیرند. این امر تأثیر بزرگی در میز مذاکره و تحولات سیاسی فردای افغانستان می‌گذارد. اگر صلحی اتفاق نیفتد، جنگ طالبان تا آخرین نفس، برای وسعت قلمرو گامی در جهت تحقق روایت سقوط جمهوری اسلامی افغانستان است. سرقومندان اعلی افغانستان باید درک کند که جنگ با شعار نمی‌شود. باید عوامل سقوط به‌درستی شناسایی و مدیران ارشد که کوتاهی کرده، مجازات شوند. بازی سیاسی با بخش‌های امنیتی و چشم‌پوشی از چنین خطاهای فاحش امنیتی، فاجعه‌بار است. زیرا نیروهای امنیتی افغانستان آخرین سنگر و تکیه‌گاه جمهوری اسلامی افغانستان است.

اطلاعات روز: به دنبال سقوط ولسوالی جلریز ولایت میدان‌وردک، وزارت دفاع از آغاز عملیات پاکسازی این ولسوالی از وجود گروه طالبان خبر داده است.

فواد امان، معاون سخنگوی وزارت دفاع ملی بدون اشاره به سقوط ولسوالی جلریز، گفته است که عملیات هوایی و زمینی نیروهای امنیتی و دفاعی برای پاکسازی این ولسوالی از وجود جنگ‌جویان گروه طالبان ادامه دارد.

آقای امان همچنان گفته است که در یک حمله‌ی هوایی بر یک تجمع گروه طالبان در ولسوالی جلریز، ده طالب کشته شده‌اند. این حمله حوالی ساعت ۱:۴۸ بعد از ظهر دیروز اجرا شده است.

گروه طالبان ادعا کرده است که کنترل مرکز ولسوالی جلریز ولایت میدان‌وردک به‌شمول ساختمان فرماندهی پولیس و تمام ملحقات آن‌را به‌دست گرفته است.

ذبیح‌الله مجاهد، از سخنگویان این گروه همچنین ادعا کرده است که نظامیان دولتی سلاح‌های‌شان را به زمین گذاشته و

به این گروه پیوسته‌اند. او در عین حال ادعا کرده است که چندین عراده واسطه نظامی و مقداری سلاح و مهمات را نیز به‌دست آورده‌اند.

مهدی راسخ، نماینده‌ی مردم میدان‌وردک در مجلس نمایندگان نیز سقوط ولسوالی جلریز میدان‌وردک به‌دست طالبان را تأیید کرده، می‌گوید که ۶۹ نیروی امنیتی و دفاعی به‌دست این گروه افتاده است.

آقای راسخ در یک کلیپ ویدیویی که به روزنامه اطلاعات روز فرستاده، سقوط ولسوالی جلریز را «مشکوک» خوانده و گفته است که با وجود فشارهای زیاد بر وزارت‌های دفاع و داخله، هیچ کمکی بر نیروهای مستقر در جلریز صورت نگرفته است.

راسخ همچنین گفته است که در جریان درگیری‌ها، هفت نیروی امنیتی کشته و شماری هم مفقود شده‌اند.

به‌گفته‌ی ولسوالی جلریز پس از دو سال محاصره و سه شبانه‌روز درگیری شدید، درحالی سقوط کرده است که یک قطعه‌ای

سه محور همکاری ناتو با افغانستان پس از خروج؛

نیروهای ویژه در خارج آموزش داده می‌شوند

ناتو از افغانستان همزمان با نیروهای امریکایی در اول ماه می آغاز شده است. براساس برنامه‌ی ناتو و امریکا، تمامی نظامیان خارجی قرار است تا ۱۱ سپتامبر از افغانستان خارج شوند.

پیش از این رییس‌جمهور اشرف غنی نیز گفته بود که خروج نظامیان خارجی از افغانستان به معنای پایان همکاری‌ها نیست، بلکه فصل تازه‌ای از همکاری‌ها میان افغانستان و جامعه جهانی باز خواهد شد.

در را بر می‌گیرد. محور دوم به‌گفته‌ی او، به آموزش نیروهای افغان در خارج از این کشور می‌پردازد و در محور سوم نیز ناتو بودجه‌ی حمایت از عمل‌کرد میدان هوایی کابل را تأمین می‌کند.

ینس استولتنبرگ همچنین گفته است که این پشتیبانی‌ها ناتو و شرکایش را قادر می‌سازد تا به کمک به مردم افغانستان و تلاش‌های صلح در این کشور ادامه بدهند.

این درحالی است که خروج نظامیان

دیدار در مورد مبارزه با تروریسم و حمایت از تلاش‌های صلح افغانستان بحث کرده‌اند. استولتنبرگ گفته است که با پایان حضور نظامی ناتو در افغانستان، فصل تازه‌ای از روابط این سازمان با افغانستان آغاز می‌شود.

او افزوده است که پشتیبانی آینده از افغانستان شامل سه محور می‌شود.

دبیرکل ناتو گفته است که محور اول همکاری‌ها، مأموریت مشورت‌دهی و حمایت مالی دوامدار از نیروهای افغان

اطلاعات روز: ینس استولتنبرگ، دبیرکل سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) گفته است که همکاری‌های این سازمان با نیروهای افغان پس از خروج نیروهای خارجی از این کشور، در سه محور ادامه می‌یابد.

آقای استولتنبرگ این اظهارات را دیروز (جمعه، ۳۱ ثور) در دیدار با امانوئل مکران، رییس‌جمهور فرانسه در پاریس مطرح کرده است.

طبق اعلامیه‌ی ناتو، دو طرف در این

عبدالله:

طالبان قادر به تصرف افغانستان نخواهند شد

عبدالله این اظهارات را درحالی مطرح کرده است که پس از آغاز رسمی خروج نظامیان خارجی از افغانستان، خشونت‌ها و حملات طالبان در بخش‌های مختلف کشور نیز افزایش یافته است. روند خروج نظامیان خارجی از اول ماه می آغاز شده و قرار است تا ۱۱ سپتامبر کامل شود.

طبق گزارش‌ها، در روزهای اخیر دست‌کم چهار ولسوالی در ولایت‌های بغلان، لغمان و میدان‌وردک به‌دست گروه طالبان سقوط کرده است. وزارت دفاع افغانستان گفته است که نیروهای امنیتی و دفاعی افغان از این ولسوالی‌ها «عقب‌نشینی» تکتیکی کرده‌اند.

همزمان با این، وزارت دفاع افغانستان گفته است که عملیات نیروهای امنیتی و دفاعی بازپس‌گیری ولسوالی‌های بُرکه‌ی بغلان و نرخ میدان‌وردک ادامه دارد.

ملی بر ادامه‌ی گفت‌وگوها تأکید کرده و گفته است که گروه طالبان تا کنون در مذاکرات صلح جدی نبوده است.

طبق اظهارات او در مصاحبه با واشنگتن‌پُست، جامعه جهانی از جمله ایالات متحده‌ی امریکا و دیگر کشورها در تلاشند تا راه‌هایی برای حمایت از مذاکرات صلح افغانستان پیدا کنند.

عبدالله عبدالله گفته است که او به توانایی نیروهای افغان برای حفاظت از مردم و کشورشان اطمینان دارد، اما پشتیبانی‌ها از این نیروها باید ادامه یابد.

عبدالله افزوده است که امریکا و برخی کشورهای عضو ناتو بر ادامه‌ی پشتیبانی از نیروهای افغان تعهد سپرده‌اند. او وحدت میان رهبران افغانستان را بر روحیه‌ی نیروهای افغان که همه روزه در خط مقدم نبرد حضور دارند، تأثیرگذار خوانده است.

به ادامه‌ی جنگ منجر خواهد شد.

آقای عبدالله در این مصاحبه همچنین گفته که امیدوار است راه‌حل نظامی سناریوی طالبان نباشد. او اما افزوده است که ممکن است گروه‌هایی در میان طالبان وجود داشته باشند که تصور کنند از راه نظامی پیروز می‌شوند.

به‌گفته‌ی عبدالله، هرچند طالبان به‌صورت رسمی این اظهارات را مطرح نکرده، اما «این نگرش آنهاست. آنها به تعهد خود در مورد کاهش خشونت و یا قطع ارتباط با القاعده عمل نکرده‌اند».

پیشتر رییس‌جمهور اشرف غنی نیز با اشاره به خروج نظامیان خارجی، گفته بود که افغانستان در مرحله‌ی سقوط قرار ندارد و نیروهای امنیتی و دفاعی توانایی دفاع مستقلانه از کشورشان را دارند.

با این حال، رییس شورای عالی مصالحه‌ی

هشدار ولسوال ناهور ولایت غزنی:

طالبان قصد حمله بر این ولسوالی را دارند

ولایت میدان‌وردک و همچنین ولسوالی‌های قره‌باغ، جغتو و رشیدان غزنی مرز دارد.

ولسوال ناهور می‌گوید که حضور طالبان در ولسوالی‌های ناامن اطراف ناهور احتمال حمله‌ی طالبان بر این ولسوالی را نیز افزایش داده است.

این همه درحالی است که اخیراً حملات طالبان بر مراکز ولسوالی‌ها در شماری از ولایات افزایش یافته است. در چند روز گذشته دست‌کم چهار ولسوالی در ولایت‌های میدان‌وردک، بغلان و لغمان به‌دست گروه طالبان افتاده است.

آقای زاهدی گفت که برنامه‌ای را برای خنثاسازی مابین‌های طالبان روی‌دست گرفته‌اند، اما تجهیزات کافی ندارند و از لحاظ تخنیک‌ی نیز با مشکل مواجه‌اند.

او علاوه کرد که در حال حاضر نیروهای امنیتی و دفاعی برای جلوگیری از جاسازی مابین توسط طالبان تمرکز دارند. او گفت که نیروهای امنیتی در همکاری نزدیک با مردم محل آمادگی هرگونه پاسخ‌دهی به حملات احتمالی طالبان را دارند.

ولسوالی ناهور ولایت غزنی با ولسوالی‌های دایم‌راده، چک و جغتوی

آقای زاهدی همچنین گفت که قربانیان این رویداد همه غیرنظامی بودند که می‌خواستند مواشی‌شان را با استفاده از یک عراده موت‌ر نوع «دینا» به فروش ببرند.

به‌گفته‌ی او، جنگ‌جویان گروه طالبان از دو شب به این سو، تحرکاتی در مربوطات این ولسوالی داشته، اما موفق به حمله نشده‌اند.

ولسوال ناهور افزود که جنگ‌جویان گروه طالبان با کارگذاری مابین در مسیر جاده‌ها می‌خواهند زمینه‌ی حمله بر این ولسوالی را فراهم کنند.

اطلاعات روز: مقام‌های محلی در ولسوالی ناهور ولایت غزنی می‌گویند که طالبان از چند روز به این طرف مابین‌گذاری مسیرهای رفت‌وآمد مردم را آغاز کرده و با این شیوه، قصد حمله بر این ولسوالی را دارند.

ظاهر زاهدی، ولسوال ولسوالی ناهور به روزنامه اطلاعات روز گفت که حوالی ساعت ۸:۰۰ روز پنج‌شنبه (۳۰ ثور) در نتیجه‌ی انفجار مابین کنارجاده‌ای در روستای «بند دو آب» منطقه‌ی «سبزک خوات» این ولسوالی، دو نفر کشته و یک نفر دیگر زخمی شده‌اند.



«رستاخیز بازماندگان»؛

فراخوانی به سوی همدلی و تغییر

مرور رمان «رستاخیز بازماندگان»

را می‌کشد با لحنی که گویا از آن پشیمانی می‌بارد می‌گوید «لعنت به جنگ».

نوگرایی و مبارزه علیه خرافه‌پرستی
باورهای دینی به همان اندازه که باعث اتحاد و استحکام جوامع می‌شود اما در اکثر مواقع باعث عقب‌گردها و ویرانی‌هایی نیز شده است. باور به این که فقط دین و مذهب من برترین و یگانه دین کامل است باعث کشتارها و قتل‌عام‌های زیاد در طول تاریخ شده است. این موضوع در افغانستان نیز مصادق فراوان داشته است که یکی از آن‌ها قتل‌عام هزاره‌ها به دست عبدالرحمان به بهانه مذهب‌شان بوده است. اگرچند برای عبدالرحمان قومیت و نژاد بحثی مهم‌تر از مذهب بود، اما باین حال تعلق هزاره‌ها به مذهب خاص و کشتار آن‌ها به این دلیل را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. از این‌رو، در آن زمان، افرادی از درون هزاره‌ها تلاش نموده است کلیت میحی به نام «دین» را به نقد بکشد و یا حداقل برخورد منطقی و عقلانی با این پدیده داشته باشند. در کنار آمیختگی بحث دین با سیاست، رمان توضیح می‌دهد که چگونه باورهای دینی (که اکثرا با خرافات همراه شده‌اند) باعث شده هزاره‌ها دچار عقب‌گرد شوند. یکی از این افراد می‌گوید «منبع درجه یک سیه‌روزی هزاره‌ها مذهب‌زدگی است» و دیگری صدایش را بلند می‌کند: «روزگار دریافت وحی از خدا به پایان رسیده است. امروز زمانش رسیده که آدم‌ها به جای دریافت پیام از جانب خدا، از کله‌اش پیام دریافت کند؛ از عقلش» (ص ۱۱).

در این رمان به گونه زیرکانه توضیح داده شده که است چگونه باورهای خرافی مردم نسبت به دین و هر چیز دیگر باعث شده است تا آن‌ها وضع موجودشان را به عنوان سرنوشت حتمی و تغییرناپذیر بپذیرند. در واقع در این‌جا مذهب به عنوان نیروی بازدارنده در برابر مقاومت عمل می‌کند: «در بحارالانوار آمده است که سرپیچی از پادشاهی که در بلاد اسلام حکم می‌راند، ارتداد است» (ص ۲۵۷). این سخن در حالی گفته می‌شود که افغانستان کشور اسلامی است و عبدالرحمان در همین کشور حکم می‌راند. نتیجه منطقی این مورد این است که در برابر چنین حاکمی به هیچ‌وجه نباید ایستاد شد و برای تغییر وضعیت نباید اقدام کرد. زیرا ایستادگی علیه یک حاکم مسلمان به معنای ارتداد است. در کنار این‌ها، به نظر می‌رسد رمان در صدد توضیح و تثبیت این واقعیت نیز است که اصل بودن هزاره‌ها را بیان کند. برای

هزاره‌ها عمده‌ترین خطر برای‌شان است. البته این موضوع صرفاً بحثی انتزاعی و برای تکمیل کردن یک رمان نیست، بلکه روایت‌گر عینی‌ترین واقعیت‌های تاریخ مردم هزاره است. هزاره‌ها در طول تاریخ‌شان به جرم هویت و تباری که داشته‌اند مورد ستم و تبعیض قرار گرفته‌اند. از این‌رو این رمان به صورت نمادین نشان می‌دهد که هزاره‌ها، در مقاطع از تاریخ، چگونه مجبور بوده‌اند هویت‌شان را انکار کنند تا بتوانند به زندگی ادامه دهند.

آگاهی به مثابه‌ی رهایی

«دانش، قدرت است.» این شعاری بود که فرانسویس بیکن آن را به انسان غربی یاد داد. و نیز باور راستین به همین سخن بود که استیلای آن‌ها بر جهان را ممکن ساخت. اروپایی‌ها به علم روی آوردند و از این طریق به پیش‌رفت‌های چشم‌گیر و قدرت مہارناپذیر دست یافتند. «رستاخیز بازماندگان» نشان می‌دهد که تعداد محدود از هزاره‌ها در عصر ظلمانی تاریخ‌شان به این سخن رو آورده بودند. این افراد فقط یک دشمن خطرناک را برای مردم‌شان می‌شناختند و آن هم «نادانی» بود. با فایق آمدن بر نادانی بود که رهایی و دست‌یافتن به قدرت امکان‌پذیر می‌شد. «اول باید دانش خود را افزایش بدهی. پس از آن نوبت ساکنان قریه می‌رسد. وقتی آموزش را به تمام جاهای هزارستان ببری، آن وقت متوجه می‌شوی که سال‌ها پیش جابر بیگ را کشته‌ای» (رستاخیز بازماندگان، ص ۲۲). و یا «من هفتادسال درد کشیده‌ام و از راه‌های نجات دردهایم حرف زده‌ام. وضعیت تغییر چندانی نکرده است. نه میر ملامت است و نه شهزاده. هزاره‌ها ناآگاه اند. تا رسیدن به فصل آگاهی و یگانگی راه درازی در پیش است.» (همان). رمان نشان می‌دهد که یگانه راه برای برون‌رفت از وضعیت خفقان‌آور و ظلم‌های بی‌پایان مبارزه است، اما نه مبارزه با سلاح. از آن‌جایی که «خشونت، خشونت می‌آفریند» باید از راه دانش، آگاهی و تساهل و مدارا مبارزه کرد. هیچ راهی وجود ندارد جز این که در راه آگاهی و علم گام بگذاریم. جنگ به هیچ‌وجه راه‌حل نیست. شاید این پیام فرمانده‌ای که هزاره‌ها را دسته‌دسته به گلوله می‌بندد و اما در آخر خودش نیز کشته می‌شود، جدی‌ترین و واقع‌بینانه‌ترین پیامی باشد که می‌شود از وضعیت جنگی گرفت. او که نفس‌های آخر

عباس اسدیان

رمان «رستاخیز بازماندگان» اخیراً توسط انتشارات زریاب در کابل به چاپ رسیده است. این رمان ۳۶۱ صفحه‌ای را آقای یونس صالحی نوشته است. «رستاخیز بازماندگان» روایت گذشته‌ی تلخ مردم هزاره است و در این میان به صورت خاص برابر عبدالرحمان خان پرداخته شده است. رمان به لحاظ سبک داستانی واقع‌گرایانه روایت شده است و به همین ترتیب اکثریت شخصیت‌های این داستان نیز شخصیت‌های تاریخی و واقعی اند، مثلاً کسانی چون گل‌بیگم و شیرین هزاره. رمان در بیش از ۳۵۰ صفحه به وضعیت فرهنگی، روابط تجاری، وضعیت تحصیلی و در کل وضعیت زندگی هزاره‌ها و روابط خان‌ها و میران هزاره‌ها با دربار و مردم در ارزگان در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم پرداخته است. رمان نشان می‌دهد که هزاره‌ها به لحاظ زیستی و رفاهی در آن زمان وضعیت مناسب نداشته‌اند. زیرا مالیات سنگین، و نوع نگاه حکومت مرکزی نسبت به این مردم به شدت تبعیض‌آمیز بوده است. اما به باور من یکی از نقاط قوت رمان در این است که در کمتر از ده صفحه‌ی وقایع مهم معاصر تاریخ هزاره‌ها را به گونه‌ای روایت می‌کند که خواننده به گونه معنادار در می‌یابد وضعیت موجود هزاره‌ها در زمان حاضر چقدر نزدیک و چقدر شبیه به وضعیت گذشته‌شان است. در اواخر، «رستاخیز بازماندگان» به ماجراهایی چون قیام ابراهیم خان گاو سوار، اعتراضات اکبرخان نرگس در مجلس شورای ملی به خاطر مالیات سنگین بر هزاره‌ها، مکتوب کردن وضعیت هزاره‌ها توسط فیض محمد کاتب، ماجرای قتل عبدالخالق هزاره‌ها، فروش زنان هزاره در بدل یک پول و نهایتاً به جنبش روشنائی پرداخته است. به‌هرحال، عناصر و نکات تأمل‌برانگیز زیاد در این رمان وجود دارد که در ذیل به چند مورد آن به صورت فشرده اشاره می‌شود.

انکار هویت و تلاش برای زنده‌ماندن

شخصیت‌های اصلی این رمان برای این که بتوانند زنده بمانند مجبورند مدام نام‌شان را تغییر بدهند، یعنی در واقع هویت‌شان را انکار کنند. زیرا اگر شخصیت‌های اصلی اکثر در وضعیت‌های اضطراری به سر می‌برند و اگر هویت‌شان به کسی فاش شود، زندگی‌شان را از دست خواهند داد. به باور من این موضوع نشان‌دهنده یک موضوع کلان‌تر است و آن‌هم این که هویت

همین است که به فرهنگ قبل از اسلام هزاره‌ها رجوع می‌کند و از نابودی آن فرهنگ به عنوان نقطه‌ای منفی یادآوری می‌کند. در این صورت توضیح این واقعیت آسان‌تر می‌شود که بگوییم تفکر دینی برای هزاره‌ها نه تنها باعث شکوفایی و بهبود وضعیت نشده که در اکثر مواقع به عنوان نیروی بازدارنده عمل نموده است: «معلم ما می‌گفت اگر اسلام عقاید اجداد هزاره‌ها را به عنوان بخشی از اصولش می‌داشت، دنیای بهتری می‌داشتیم» (ص ۱۷). و البته این واقعیت از آن‌جایی بیشتر قابل فهم می‌شود که باورهای خرافی وارد عقاید دینی‌شان می‌شود. مثلاً وقتی که به این واقعیت فراگیر و جاافتاده در بین هزاره‌ها اشاره می‌شود: «من و زلم باور داریم که خدمت به یک سید ثوابش بهتر از رفتن به مکه است» (ص ۷۵).

اما مهم‌ترین مورد در این خصوص شاید این باشد که عده‌ای تلاش می‌کنند با از بین بردن نسل تحصیل‌کرده (نسلی که رویکرد منطقی در برابر باورهای دینی و خرافی اتخاذ می‌کنند) رعب و وحشت را در میان مردم ایجاد کنند. آن‌ها با این کار شان می‌خواهند از فراگیری علم و دانش جلوگیری کنند. اما از آن‌جایی که میزان آگاهی و دانش در جامعه کم است تلاش می‌شود تا ماجرای قتل نسل آگاه به نیروهای غیبی و جنیبات حواله داده شود و هیچ جوابی مشخص هم در این خصوص وجود نداشته باشد: «چرا جنیان فقط آگاهان قریه را می‌کشند؟» سوال من در این‌جا این است که آیا این موضوع باعث می‌شود شما در مورد حمله به مراکز آموزشی در مناطق هزاره‌نشین در زمان حاضر فکر کنید؟

در کنار این که باورهای خرافی، و در بعضی موارد پافشاری بیش از حد بر عقاید دینی هزاره‌ها را آسیب‌پذیر بار آورده، اختلافات درونی‌شان نیز بر آن‌ها آسیب زده است. یکی از راه‌های که عبدالرحمان توانست هرچه بیشتر بر هزاره‌ها آسیب وارد کند این بود که جاسوسانی از میان خود این مردم بر آن‌ها گماشت. در سطح دیگر، تقسیم‌بندی آن‌ها به هزاره‌های خوب و بد نیز باعث شده بود تا هزاره‌ها هرچه بیشتر دچار اختلافات درونی شوند و این زمینه را برای نفوذ هرچه بیشتر دشمنان‌شان مهیا می‌کرد. برای همین آن‌هایی که متوجه این نقیصه شده بودند تلاش می‌کردند تا مدارا، همزیستی و اتحاد را میان مردم هزاره ترویج کنند. پیام این افراد در آن زمان این بود: «برای اصلاح چیزی هیچ‌وقت دیر نیست.»

پیامی برای آیندگان
نهایتاً در بخش‌های از رمان نویسنده تلاش می‌کند توضیح بدهد چگونه کسانی که هزاره‌ها را قتل‌عام و سلاخی کردند، بر عبث بودن کارشان تأسف می‌خورند. در این موارد نویسنده عاملین کشتار هزاره‌ها در پیش وجدان خودشان مورد قضاوت می‌دهد. اما ظاهراً به نظر می‌رسد چنین اقداماتی ره به جایی نمی‌برد و برای تغییر وضعیت به اقداماتی فراتر از این‌ها نیاز است.

وقتی نویسنده تلاش می‌کند از خلال وقایع ناگوار و با عبور از نسل‌کشی وحشت‌ناکی که عبدالرحمان به راه انداخته بود، به جایگاه کتابت اشاره کند از علی مردان (یکی از شخصیت‌های اصلی داستان) به عنوان کسی نام می‌برد که با خاطره‌نویسی‌اش توانسته تمام آن روزهای دشوار را روایت کند و از این طریق پیام مهمی را به آیندگان منتقل کند. علی مردان نوشته است: «پیام شفاهی مرا به بازماندگان هزاره برسان: یکی شوید تا زنده بمانید. آن‌گاه دانش بیاموزید و از خشونت پرهیز کنید. با گذر زمان از این پله‌ها به آزادی خواهید رسید.» و بعد، آن‌هایی که توانسته‌اند به هر نحوی ممکن پیام‌شان را به نسل بعد از خودشان منتقل کنند، می‌گویند «مسئولیت ما کشیدن نقشه راه است، نه راه را تا آخر رفتن. نسل‌های آینده راهی نیمه‌راه ما را طی خواهند کرد.» در مقطعی از تاریخ این مسئولیت‌ها به دوش فیض محمد کاتب قرار می‌گیرد تا آن را به آیندگان منتقل کند. و او با نوشتن کتاب‌های چون «سراج‌التواریخ» و «فیضی از فیوضات» به این مهم نایل می‌شود. فیض محمد کاتب، وقتی می‌خواهد تاریخ هزاره‌ها را مکتوب کند، با یادداشتی از علی مردان - که از هفت‌خوان رستم عبور می‌کند تا به او برسد - بر می‌خورد. پیام و دریافت مهم علی مردان، بعد از پشت‌سر گذاشتن نسل‌کشی آشکار عبدالرحمان، این است: «درد شما ناشی از ظلم حاکمان ستمگر نیست، بلکه از انتظار برآورده‌نشده‌ی شما برای ظهور قهرمانی است که رنج‌های شما را پایان دهد. چنان قهرمانی آمدنی نیست. همه ظرفیت چنان قهرمانی را دارید. فقط برخیزید» (۳۵۵).

در آخرین صفحه وقتی نویسنده در باره «جنبش روشنائی» می‌نویسد گفت‌وگوی رییس‌جمهور افغانستان با مشاورش را می‌آورد. مشاور رییس‌جمهور، سه ساعت بعد از حادثه دهم‌زنگ به رییس‌جمهور می‌گوید: «اما فراموش نکنی که که امروز ما با نسل شیرین و علی‌مردان روبه‌رویم؛ نسل آگاهی، نسل تساهل و مدارا. مگر می‌شود آگاهی را کشت؟ دنبال راه‌های بدیل باش.»

فیض محمد کاتب،
وقتی می‌خواهد تاریخ
هزاره‌ها را مکتوب کند،
با یادداشتی از علی
مردان - که از هفت‌خوان
رستم عبور می‌کند تا به
او برسد - بر می‌خورد.
پیام و دریافت مهم علی
مردان، بعد از پشت‌سر
گذاشتن نسل‌کشی آشکار
عبدالرحمان، این است:
«درد شما ناشی از ظلم
حاکمان ستمگر نیست، بلکه
از انتظار برآورده‌نشده‌ی
شما برای ظهور قهرمانی
است که رنج‌های شما
را پایان دهد. چنان قهرمانی
آمدنی نیست. همه ظرفیت
چنان قهرمانی را دارید.
فقط برخیزید.» (۳۵۵).



از یونس صالحی رمان «چهل دختران» هم به نشر رسیده است. عکس رسانه‌های اجتماعی.

ماجد القیمری ۲۷ ساله که در بیت المقدس شرقی قضایی دارد، می‌گوید: «احساس می‌کنیم که آن‌ها سعی دارند حضور ما را از شهر برچینند. ما احساس می‌کنیم که باید در برابر آن‌ها بایستیم و بگوییم که ما از این‌جا هستیم.»

درگیری‌ها در دروازه دمشق پیامدهای خاص خود را داشت. اواخر همان هفته جوانان فلسطینی به یهودیان حمله کردند. برخی از آن‌ها ویدیوهایی را در تیک تاک بارگذاری کردند که توجهات را به خود جلب کرد. این اقدام آن‌ها خیلی زود به انتقام‌جویی‌های سازمان یافته از جانب یهودیان منجر شد. در ۲۱ اپریل درست یک هفته پس از حمله پولیس به مسجد الاقصی، چند صد نفر از اعضای یک گروه یهودی راست افراطی موسوم به «لهاوا»، با راهپیمایی از مرکز اورشلیم/بیت‌المقدس شعار «مرگ بر اعراب» را سر دادند و به رهگذران فلسطینی حمله کردند. در یک ویدیو، گروهی از یهودیان در حال حمله بر خانه یک فلسطینی دیده می‌شوند و در ویدیوی دیگر گروهی از یهودیان به رانندگانی که تصور می‌کنند فلسطینی باشند، حمله کرده‌اند.

دیپلمات‌های خارجی و رهبران مردمی تلاش کردند حکومت اسرائیل را متقاعد کنند که حداقل با بازگشایی میدان دروازه دمشق تنش در اورشلیم/بیت‌المقدس را کاهش دهد. اما به گفته شخصی که در این تلاش‌ها مشارکت داشته، دیپلمات‌ها و رهبران جوامع متوجه شدند که حکومت حواسش به جاهای دیگری پرت و به این مسأله بی‌علاقه است. آقای نتانیاهو پس از انتخابات ماه مارچ (چهارمین انتخابات طی و سال آخر در اسرائیل) که بدون پیروزی مشخص نامزدی پایان یافت، درگیر مذاکرات برای تشکیل ائتلاف بود. او برای تشکیل ائتلاف مجبور بود که چند قانون‌گذار راست افراطی را متقاعد کند تا به او بپیوندند.

یکی از آن‌ها «ایتامار بن گویر»، وکیل سابق گروه «لهاوا» است که گفته شهروندان عرب باید از اسرائیل اخراج شوند. بن گویر شهروندان عرب اسرائیل را شهروندان غیروفادار به اسرائیل می‌داند و تا همین اواخر پرت‌های از «باروخ گلدشتاین» در اتاق نشیمن خانه‌اش آویزان بود. گلدشتاین یک یهودی افراطی بود که در سال ۱۹۹۴ حدود ۲۹ فلسطینی را در «هبرون/الخلیل» قتل عام کرد.

آقای نتانیاهو متهم شده که با خودداری از رسیدگی به تنش‌ها در اورشلیم/بیت‌المقدس، سعی دارد دل امثال آقای بن گویر را به دست آورد و با ایجاد یک بحران، اسرائیلی‌ها را دور خود بسیج کند.

«انتشل فیر»، تحلیل‌گر سیاسی و نویسنده زندگی‌نامه نتانیاهو می‌گوید: «نتانیاهو مخترع تنش‌ها بین یهودیان و اعراب نیست. این تنش‌ها قبل از تأسیس اسرائیل وجود داشتند. اما طی دوره طولانی که او در قدرت بوده، بارها و بارها به این تنش‌ها دامن زده تا از آن سود سیاسی ببرد. حالا هم به‌عنوان

نداشته باشد. به میان آمدن یک خلأ سیاسی ناگهانی در فلسطین، و اعتراض مردمی که در برابر اقدامات مأموران اسرائیلی شکل گرفته بود، به حماس فرصت داد تا زور خود را به کار اندازد.

پویایی‌ها در فلسطین اسرائیل را غافل‌گیر کرد. اسرائیلی‌ها از خودراضی بودند. این از خودراضی‌بودن‌شان به موجب حکومت راست افراطی است که خواسته‌های فلسطینی‌ها مبنی بر برابری و سهم در مملکت‌داری را به‌عنوان مشکلاتی می‌دید که باید مهار شود، نه خواسته‌هایی که باید مورد رسیدگی قرار گیرد.

«آمی ایالون»، رییس سابق «آژانس اطلاعاتی داخلی» اسرائیل می‌گوید: «ما باید بیدار شویم. ما باید رویکرد خود را در مورد همه این مسائل تغییر دهیم. ما باید این برداشت خود را که وضعیت موجود، وضعیت پایدار و مطلوب است، کنار بگذاریم.»

بلافاصله پس از حادثه بلندگوهای مسجد، پولیس تصمیم گرفت یک میدان محبوب را به روی مردم ببندد. این میدان در نزدیکی «دروازه دمشق»، یکی از اصلی‌ترین ورودی‌های «شهر قدیمی اورشلیم/بیت‌المقدس»، واقع شده است. جوانان فلسطینی معمولاً شب‌های ماه مبارک رمضان در آن میدان جمع می‌شوند.

گفت که میدان را برای جلوگیری از تجمع و دفع خشونت احتمالی ببندند. اما برای فلسطینی‌ها، این خود یک توهین دیگر بود. بستن میدان منجر به اعتراضاتی شد که به نوبه خود به درگیری شبانه بین پولیس و جوانانی انجامید که سعی در بازپس‌گیری میدان داشتند.

از نظر پولیس، این اعتراضات یک «بی‌نظمی» بود که باید «کنترل» می‌شد. اما برای بسیاری از فلسطینی‌ها، بیرون رانده‌شدن از میدان، اهانت جزئی بود که نارضایتی‌های عمیق‌تر و خفته را بیدار کرد.

اکثر ساکنان فلسطینی بیت‌المقدس شرقی، که اسرائیل در طول جنگ اعراب و اسرائیل (سال ۱۹۶۷) آن‌را اشغال و بعداً به قلمرو اسرائیل الحاق کرد، خودشان را شهروندان اسرائیل نمی‌دانند. آن‌ها می‌گویند که گرفتن تابعیت اسرائیل به معنای مشروعیت‌دادن به یک قدرت اشغال‌گر است. از این‌رو آن‌ها رأی هم نمی‌توانند بدهند.

بسیاری از آن‌ها احساس می‌کنند که به تدریج از بیت المقدس بیرون رانده می‌شوند. محدودیت‌های ساخت‌وساز آن‌ها را مجبور می‌کند که یا شهر را ترک کنند یا مسکن غیرقانونی بسازند که خود در برابر دستور تخریب حکومتی آسیب‌پذیر است. بنابراین تصمیم اسرائیل مبنی بر جلوگیری از دسترسی فلسطینی‌ها به یک فضای مشترک، تبعیضی را که بسیاری از فلسطینی‌های اسرائیل‌نشین در تمام عمر خود احساس کرده‌اند، چندبرابر و شدیدتر می‌کند.

آنچه در محوطه مسجد الاقصی در روز اول ماه رمضان رخ داد، نه تنها به شدیدترین درگیری بین اسرائیل و حماس و مرگ حدود ۲۳۰ نفر در غزه و ۱۲ نفر در اسرائیل منجر شد، بلکه موجی از زدوخوردهای خیابانی را در شهرک‌های عرب و یهودنشین اسرائیل به جریان انداخت.



مردی درحال کمک به یک معترض زخمی در محوطه مسجد الاقصی در روز دوشنبه (عکس از خبرنگاری فرانسه)



محوطه مسجد الاقصی در اورشلیم/بیت‌المقدس، حدود یک هفته پیش از شروع رمضان (عکس از: احمد غربالی/خبرگزاری فرانسه)

یازده روز آتش و خون؛

بحران اخیر غزه چگونه شکل گرفت؟

پاتریک کینگزلی، نیویورک تایمز
ترجمه: فاطمه فرامرزم

اشاره: ساعات نخست روز جمعه دولت اسرائیل اعلام کرد که «کابینه امنیت سیاسی به اتفاق آرا و توصیه همه مقامات امنیتی، ابتکار مصر برای آتش‌بس بی‌قید و شرط دوجانبه را پذیرفت، که در موعد بعدی اعمال خواهد شد.» آتش‌بس میان اسرائیل و حماس به ابتکار مصر به اجرا درآمده و به ۱۱ روز درگیری میان دو طرف پایان می‌دهد. طی جنگ اخیر غزه دست‌کم ۲۳۰ فلسطینی به‌شمول زنان و کودکان کشته شدند. اسرائیل نیز گزارش داده که در نتیجه راکت‌پراکنی حماس به این کشور دست‌کم ۱۲ اسرائیلی کشته شده است. کابینه امنیتی اسرائیل پس از یک جلسه شبانه اعلام کرده که طرح آتش‌بس پیشنهادی مصر «به‌طور متقابل و بدون قید و شرط خواهد بود.»

بیست و هفت روز قبل از این‌که اولین راکت از غزه به سمت اسرائیل شلیک شود، جوخه‌ای از مأموران پولیس اسرائیل وارد مسجد الاقصی در اورشلیم/بیت‌المقدس شدند، مأموران فلسطینی را کنار زدند، از حیاط بزرگ مسجد گذشتند و سیم بلندگوهایی را که از چهار مناره‌ی این مسجد برای مسلمانان آذان پخش می‌کرد قطع کردند.

شب ۱۳ اپریل بود، مصادف با روز اول ماه مبارک رمضان برای مسلمانان و در اسرائیل، «روز یادبود» از کسانی که برای دفاع از این کشور جان داده‌اند. رییس‌جمهور اسرائیل در غرب مسجد الاقصی در کنار «دیوار ندبه»، مقدس‌ترین مکان مذهبی یهودیان در اورشلیم/بیت‌المقدس، درحال سخنرانی بود. مقامات اسرائیلی نگران بودند که صدای آذان مانع شنیدن سخنرانی رییس‌جمهور شود.

شش مقام مسجد الاقصی — که سه تن‌شان از نزدیک شاهد صحنه بودند — ماجرای قطع‌شدن سیم بلندگوهای مسجد توسط مأموران پولیس اسرائیل را تأیید کردند. پولیس اسرائیل حاضر به اظهارنظر در این خصوص نشد. ماجرا در خارج از اورشلیم/بیت‌المقدس به ندرت موردتوجه قرار گرفت. اما حالا که به ماجرای یک ماه قبل و یورش مأموران اسرائیلی به مسجد الاقصی (یکی از مقدس‌ترین مکان‌های دینی برای مسلمانان) نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که ماجرای قطع سیم بلندگو تنها یکی از چندین اقدامی بود که منجر به از سرگیری ناگهانی جنگ بین اسرائیل و حماس (گروه شبه‌نظامی حاکم بر نوار غزه) و شعله‌ورشدن ناآرامی‌های داخلی بین فلسطینی‌ها و یهودیان سراسر اسرائیل شد.

شیخ اکریما صبری، مفتی اعظم اورشلیم/بیت‌المقدس می‌گوید که یورش مأموران اسرائیلی به مسجد الاقصی برای قطع سیم

بلندگوهای این مسجد «یک نقطه عطف بود.» او می‌گوید که اقدامات مأموران اسرائیلی باعث شد اوضاع وخیم شود. این «وخامت» به مراتب ویران‌گرت، گسترده‌تر و سریع‌تر از آنچه بود که تصور می‌شد. آنچه در محوطه مسجد الاقصی در روز اول ماه رمضان رخ داد، نه تنها به شدیدترین درگیری بین اسرائیل و حماس و مرگ حدود ۲۳۰ نفر در غزه و ۱۲ نفر در اسرائیل منجر شد، بلکه موجی از زدوخوردهای خیابانی را در شهرک‌های عرب و یهودنشین اسرائیل به جریان انداخت. روز جمعه هفته گذشته با گسترش ناآرامی‌ها به «کرانه باختری» ۱۱ فلسطینی توسط نیروهای اسرائیلی کشته شدند. این کشتار به موشک‌پراکنی از یک اردوگاه مهاجران فلسطینی در لبنان (به سمت اسرائیل)، راهپیمایی اعتراضی اردنی‌ها به سمت مرز اسرائیل و حتا برای مدت کوتاهی عبور برخی از معترضان لبنانی از مرزهای جنوبی لبنان به خاک اسرائیل شد.

دامن بحران درحالی گسترده شد که حکومت اسرائیل برای بقای خودش دست و پا می‌زد، حماس به دنبال گسترش نقش خود درون جنبش فلسطین بود و نسل جدیدی از فلسطینی‌ها برای دفاع از ارزش‌ها و اهداف خود بسیج می‌شدند. همچنین بحران فعلی، به گفته‌ی «اورهام بورگ»، رییس سابق پارلمان اسرائیل و رییس سابق «سازمان جهانی صهیونیسم»، پیامد سال‌ها محاصره و تحریم غزه، دهه‌ها اشغال کرانه باختری توسط اسرائیل و ده‌ها سال تبعیض حکومت اسرائیل علیه فلسطینی‌ها/اعراب ساکن این کشور است. او می‌گوید: «اورانیوم از قبل غنی شده بود، فقط نیاز به ماشه داشت. ماشه هم مسجد الاقصی بود.»

از آخرین درگیری شدید اسرائیل با حماس، هفت سال و از آخرین قیام یا «انتفاضه» فلسطینی‌ها علیه حکومت اسرائیل، ۱۶ سال می‌گذرد.

هنگامی که دونالد ترامپ، رییس‌جمهور پیشین ایالات متحده شهر اورشلیم را به‌عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخت و سفارت ایالات متحده را به آن‌جا منتقل کرد، هیچ ناآرامی قابل ملاحظه‌ای در اورشلیم/بیت‌المقدس رخ نداد. پس از عادی‌شدن روابط چهار کشور عربی با اسرائیل (که در نتیجه آن این اجماع دیرینه‌ی ملل عرب که تا زمانی که درگیری فلسطین و اسرائیل حل نشود هرگز روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی نخواهند کرد، نقض شد) نیز هیچ اعتراض گسترده‌ای صورت نگرفت.

دو ماه پیش، کمتر کسی در تشکیلات نظامی اسرائیل انتظار چنین بحرانی را داشت. در جلسات خصوصی، مقامات نظامی اسرائیل می‌گفتند که بزرگ‌ترین تهدید، هزار مایل دورتر از ایران یا مرزهای شمالی لبنان،

متوجه اسرائیل است. به گفته یک دیپلمات، هنگامی که دیپلمات‌ها در ماه مارچ با دو جنرال ناظر بر امور اداری نظامیان اسرائیل در غزه و کرانه باختری گفت‌وگو کردند، متوجه شدند که هردو جنرال انتظار ندارند خشونت قابل‌توجهی در این مناطق رخ دهد و ظاهراً از یک دوره طولانی آرامی نسبی لذت می‌بردند.

غزه درگیر مقابله با همه‌گیری کووید ۱۹ بود. اکثر جناح‌های سیاسی اصلی فلسطینی به‌شمول حماس، منتظر انتخابات مجلس فلسطین بودند که قرار است در ماه می برای اولین‌بار پس از ۱۵ سال برگزار شود. در غزه، جایی که محاصره اسرائیل نرخ بیکاری را حدود ۵۰ درصد افزایش داده است، محبوبیت حماس درحال کاهش بود و فلسطینی‌ها به‌طور فزاینده‌ای درباره‌ی ضرورت اولویت‌بندی اقتصادی بر جنگ صحبت می‌کردند.

اما این حال و هوا از ماه اپریل به تدریج شروع به تغییر کرد.

نماز شب اول رمضان در تاریخ ۱۳ اپریل در مسجد الاقصی درحالی برگزار می‌شد که «روون ریولین»، رییس‌جمهور اسرائیل در غرب مسجد درحال سخنرانی بود.

شیخ صبری، یکی از مسئولان امور عمومی مسجد الاقصی می‌گوید که رهبری مسجد الاقصی (که تحت نظارت دولت اردن کار می‌کند) درخواست اسرائیل مبنی بر جلوگیری از پخش آذان در طول سخنرانی رییس‌جمهور اسرائیل را رد کرده و این درخواست را بی‌احترامی دانسته بود.

بنابراین در آن شب پولیس اسرائیل به مسجد یورش برد و سیم بلندگوها را قطع کرد.

شیخ صبری می‌گوید: «بدون تردید، برای ما روشن بود که پولیس اسرائیل می‌خواهد به مسجد و ماه مبارک رمضان هتک حرمت کند.»

سخن‌گوی رییس‌جمهور اسرائیل ابتدا قطع سیم بلندگوهای مسجد الاقصی توسط پولیس اسرائیل را تکذیب کرد، اما بعداً گفت که این مسأله را دوباره بررسی خواهند کرد. این ماجرا اگر پارسال اتفاق می‌افتاد، احتمالاً این قدر بیخ پیدا نمی‌کرد.

اما ماه گذشته چندین عامل به‌طور ناگهانی و غیرمنتظره دست به دست هم دادند و باعث شدند یک حادثه نه‌چندان مهم به یک بحران تبدیل شود.

نوعی حس ضرورت احیای هویت ملی در میان جوانان فلسطینی، نه تنها در قامت مقاومت در برابر حمله متوالی به مسجد الاقصی، بلکه در شکل اعتراض علیه وضعیت شش خانواده فلسطینی که از خانه‌های‌شان در اسرائیل بیرون رانده شده‌اند، تبارز یافت. همچنین این برداشت نتانیاهو که نخست باید به نارضایتی جبهه راست افراطی اسرائیل رسیدگی کند، باعث شد که انگیزه چندانی برای رسیدگی به ناآرامی‌های پیرامون خود

تحلیل

جنابان حلقه‌ی اقبال ناممکن

آنان از هر فرد (بخوانید شهروندی) که برای رفع یک مشکل جمعی چاره‌ای بیندیشد و برای باز کردن یک گره از وضعیت عمومی فکر بکری عرضه کند، استقبال می‌کنند و از او نمی‌پرسند که مذهب چیست، قومت کجاست و پدر و مادرش به کدام زبان حرف می‌زنند. آنان نمی‌گویند بگذارید اول ما - که معتقدیم تعداد افراد قبیله‌ی مان بیشتر است - فکری بکنیم و بعد شما هم، اگر مصلحت بود، بیایید.

سخن‌های هائف

حتماً شنیده‌اید که فلانی نیک‌بخت است که حویلی بزرگی دارد. در پایتخت پُر جمعیت کشور ما خیلی خوب است که آدم حویلی بزرگی داشته باشد. اگر تا نیم کیلومتری محیط بیرونی این حویلی بزرگ هیچ خانه‌ی دیگری نباشد، بهتر است. اگر این نیم کیلومتر با چمن سبز پوشیده باشد، بهتر است (اهل دستور زبان برای این‌گونه جاها باید به صفت «بهترتر» جواز استفاده بدهند).

این سناریو چطور است:

افغانستان در حدود شش صد و پنجاه و دو هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. فرض کنید این سرزمین را به من و نود و نه نفر نخستی که این نوشته را می‌خوانند بدهند (ترکیبی از مردان و زنان). بگویند این شش صد و پنجاه و دو هزار کیلومتر مربع ملک شما صد نفر باشد. یک کشور است؛ برای صد نفر خیلی ملک است. ما صد نفر با این ملک فراخ خدادادی چه کار خواهیم کرد؟ آنچه مسلم است این است که اکثر جاهای این ملک دست‌نخورده باقی خواهد ماند. ما به دریاها و دشت‌ها و کوه‌ها و جلگه‌ها و دامنه‌های بسیاری پا نخواهیم گذاشت و دست نخواهیم زد. من اگر در یک دره‌ی سرسبز در غرنی زندگی کنم، شاید هرگز هوس آباد کردن فلان زمین در کندز از خاطرم نگذرد. صد نفر آدم معمولی (حتا اگر بخوانند) نمی‌توانند از همه‌ی این سرزمین بزرگ استفاده کنند.

(اگر عنوان این مطلب هنوز اذیت‌تان می‌کند، عرض شود که این عنوان اشاره‌ی دارد به آن مصرع از یک بیت حافظ: نگر تا حلقه‌ی اقبال ناممکن نجنبانی).

حالا یک پیچ دیگر:

تصور کنید که یکی از ما صد نفر آن نود و نه نفر دیگر را از بین ببرد و تنها خودش مالک این شش صد و پنجاه و دو هزار کیلومتر مربع شود. آن وقت چه خواهد شد؟ پاسخ این سوال ساده است: آن یک نفری که باقی مانده، یا در تنهایی می‌میرد و همه‌ی این ملک پهناور بی‌صاحب می‌شود. یا از جایی، از ملکی دیگر شاید، برای خود جفتی از جنس مخالف پیدا می‌کند و بعد از مدتی صاحب فرزندی می‌شود و بعد از چند سالی صاحب چند فرزند. راستی، چرا می‌گویند فلانی صاحب فرزند شد؟ بعد، فرض این است که همان سناریوی حضرت آدم تکرار می‌شود و فرزندان این آدم فرزندان دیگری به دنیا می‌آورند و تعداد ساکنان این ملک بعد از چند قرن به سی و پنج میلیون نفر می‌رسد. می‌بینید که اگر فقط یک نفر باقی بماند و او جفتی برای خود پیدا کند، یعنی اگر فقط منبع واحدی برای تکثیر نسل باقی بماند، باز رفته-رفته به همین جایی می‌رسیم که اکنون در افغانستان رسیده‌ایم. آن سرزمینی که برای صد نفر سود چندانی نداشت، حالا برای سی و پنج میلیون نفر محل یک حیات جمعی رنجبار است.

ممکن است کسی بگوید آری، ولی ما حالا در افغانستان چندین قوم داریم. اگر در این ملک فقط یک قوم باقی می‌ماند (یعنی این سی و پنج میلیون آدم تنها پشتون، تنها تاجیک، تنها هزاره و تنها ازبک یا... بودند)، ما امروز افغانستان متفاوتی می‌داشتیم. همین تنوع قومی است که مایه‌ی جنجال‌های غم‌انگیز ما شده است.

این نگرش از بُن غلط است. غلط بودن آن را می‌توان در برابر یک تجربه‌ی عینی کوچک اثبات کرد. ما به پدر خود فکر می‌کنیم و به پدرکلان خود ارادت داریم. اما چند نفر از ما هیچ پیوند عاطفی قابل توجهی با پدر پدرکلان خود داریم و با آن سه چهار نفر دیگر قبل از او؟ چند تن از شما که این نوشته را می‌خوانید گاهی با فکری از این جنس درگیر می‌شوید: «خاله‌ی من یک



سالگرد «روز یادبود» در اسرائیل ماه گذشته مصادف بود با آغاز ماه رمضان (عکس از: اریل شالیت/اسوشیتد پرس)

اما خیلی زود اتفاقی که نباید می‌افتاد، افتاد: یورش پولیس اسرائیل به مسجد الاقصی در روز جمعه تاریخ ۷ می.

حوالی ساعت هشت شب، نیروهای پولیس مجهز با گاز اشک‌آور، نارنجک‌های گیج‌کننده (بمب صوتی) و گلوله‌های رابری به محوطه مسجد سرازیر شدند و چندین ساعت با معترضانی که سنگ پرتاب می‌کردند، درگیر شدند. پزشکان می‌گویند در نتیجه این درگیری صدها نفر زخمی شد.

پولیس اسرائیل گفت که سنگ‌اندازها درگیری را شروع کردند، اما چندین تن از نمازگزاران گفتند که نیروهای پولیس اول درگیر شدند. ضربه اول از هرکس بوده باشد مهم نیست، اما منظره نارنجک‌های گیج‌کننده و گلوله‌های رابری در داخل نمازخانه یکی از مقدس‌ترین مکان‌ها در دین اسلام آن‌هم در آخرین جمعه ماه رمضان و در یکی از مقدس‌ترین شب‌های این ماه، به‌عنوان توهین شدید به تمام مسلمانان تلقی شد.

«شیخ عمر الکسوانی»، یکی دیگر از اعضای رهبری مسجد الاقصی، ساعتی پس از این درگیری در مصاحبه‌ای گفت: «مسأله یهودی‌سازی شهر اورشلیم/بیت‌المقدس است. مسأله بازداشتن مردم از رفتن به الاقصی است.»

صحنه برای نمایش دراماتیک روز دوشنبه ۱۰ می کم‌کم آماده شده بود. جلسه نهایی دادگاه درباره شیخ جراح در «روز اورشلیم/بیت‌المقدس»، روزی که در آن یهودیان یک‌پارچه‌شدن شهر اورشلیم/بیت‌المقدس را پس از تصرف بیت المقدس شرقی (در سال ۱۹۶۷) جشن می‌گیرند، برگزار شد.

ناسیونالیست‌های یهودی معمولاً با راهپیمایی در «محل مسلمانان» در شهر قدیمی اورشلیم و تلاش برای بازدید از «کوه معبد» یا «حرم شریف قدس»، جایی که مسجد الاقصی در آن ساخته شده، این روز را جشن می‌گیرند. پیش‌رو بودن راهپیمایی روز اورشلیم/بیت‌المقدس، تنش‌ها بر سر الاقصی و احتمال صدور دستور تخلیه در شیخ جراح هر سه یکجا شده زمینه را برای چیزی خطرناک آماده می‌کرد.

حکومت اسرائیل با به تعویق انداختن جلسه دادگاه عالی درباره‌ی تخلیه شیخ جراح و صدور دستوری برای منع ورود یهودیان به محوطه‌ی مسجد تلاش کرد تنش‌ها را فرو نشاند.

اما پولیس اسرائیل اوایل صبح روز دوشنبه پس از آن که فلسطینی‌ها در آماده‌باش برای درگیری با پولیس و یهودیان راست افراطی سنگ جمع‌آوری کردند دوباره به مسجد الاقصی یورش برد. ویدیوها و تصاویر برای دومین بار طی فقط سه روز، صحنه‌های شلیک نارنجک گیج‌کننده و گلوله‌های رابری را به چهار طرف محوطه مسجد نشان می‌داد.

در آخرین لحظه، حکومت اسرائیل پس از دریافت گزارش اطلاعاتی درباره خطر تشدید تنش‌ها در صورت ادامه این زنجیره، مسیر راهپیمایی روز اورشلیم/بیت‌المقدس را به جایی دور از محل مسلمانان تغییر داد.

اما دیگر خیلی دیر شده بود. تا آن زمان، ارتش اسرائیل دستور خروج غیرنظامیان از غزه را صادر کرده بود.

حوالی ساعت ۶ عصر روز دوشنبه ۱۰ می، راکت‌پراکنی حماس از غزه آغاز شد.

پاتریک کینگزلی، رییس دفتر نیویورک تایمز در اورشلیم تحولات اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی را پوشش می‌دهد. او در بیش از ۴۰ کشور روزنامه‌نگاری کرده، دو کتاب نوشته و پیش از نیویورک تایمز، بحران مهاجرت و خاورمیانه را برای گاردین پوشش می‌داد.

یک رهبر نتوانسته آتشی را که شعله‌ور شده خاموش کند.»

«مارک ریگف»، مشاور ارشد آقای نتانیاهو این تحلیل را رد می‌کند. او می‌گوید: «صل ماجرا دقیق برعکس این تحلیل است. نتانیاهو تمام توان خود را به‌کار بسته تا سعی کند آرامش برقرار کند.»

در ۲۵ اپریل، حکومت اسرائیل از تصمیم خود در مورد میدان خارج از دروازه دمشق کوتاه آمد. اما بعداً موجی از تحولات گره مشکل را کورتر کرد.

مورد اول اخراج شش خانواده فلسطینی از محله فلسطینی‌نشین شیخ جراح در بیت المقدس شرقی بود. با نزدیک شدن مهلت اعلام تصمیم نهایی دادگاه در مورد پرونده‌ی آن‌ها، اعتراضات مرتباً در طول ماه اپریل برگزار شد. اما این اعتراضات پس از آن که فلسطینی‌ها بین وقایع دروازه دمشق و محله ساکنان فلسطینی اسرائیل نوعی رابطه یافتند، شدت یافت.

«صلاح دیاب»، رهبر جامعه‌ای در شیخ جراح، که پایش در حمله اخیر پولیس به خانه‌اش شکسته، می‌گوید: «آنچه را اکنون در شیخ جراح یا الاقصی یا دروازه دمشق می‌بینید، به‌خاطر بیرون‌راندن ما از بیت المقدس است. محله‌ای که من در آن زندگی می‌کنم، تازه شروع این پاکسازی است.»

پولیس گفت که آن‌ها فقط به خشونت معترضان در شیخ جراح پاسخ داده‌اند، اما ویدیوها و تصاویر منتشر شده نشان می‌داد که آن‌ها خودشان دست به خشونت زده‌اند. با پخش این تصاویر در اینترنت، محله شیخ جراح به کانون تجمع فلسطینی‌های سرزمین‌های اشغالی و همچنین کانون توجه جامعه دیاسپورا فلسطینی تبدیل شد.

«جهان بسیسو»، شاعر فلسطینی ساکن لبنان می‌گوید که آنچه بر خانواده‌های فلسطینی در اسرائیل می‌گذرد «تجربه‌ی مشترک هر فلسطینی آواره و مهاجر است.»

همچنین وضعیت ساکنان محله شیخ جراح بخشی از تبعیض نهفته در قوانین اسرائیل را نیز برجسته می‌کند: قوانین اسرائیل به یهودیان اجازه می‌دهد تا در بیت المقدس شرقی زمینی را که قبل از سال ۱۹۴۸ متعلق به یهودیان بوده، پس بگیرند. اما فرزندان صدها هزار فلسطینی که در سال ۱۹۴۸ از خانه‌های خود فراری شدند، هیچ امکان حقوقی‌ای برای بازپس‌گیری زمین‌های خانوادگی خود ندارند.

خانم بسیسو می‌گوید: «این که بیینی مردم را دوباره از خانه‌هایشان بیرون می‌رانند، واقعا آزاردهنده و تحریک‌کننده است. این اقدامات بسیار تحریک‌کننده است و بسیار بسیار آشنایم؛ حتماً اگر یک میلیون مایل از آن دور باشید.»

در ۲۹ اپریل محمود عباس، رییس‌جمهور تشکیلات خودگردان فلسطین انتخابات این کشور را لغو کرد. او نگران نتیجه تحقیرآمیز انتخابات برای خودش بود. این تصمیم باعث شد که آقای عباس ضعیف به‌نظر برسد.

حماس فرصت را از دست نداد و به‌عنوان مدافع بیت‌المقدس وارد صحنه شد.

«مخایمار ابوسادا»، کارشناس امور سیاسی دانشگاه الازهر در شهر غزه می‌گوید: «حماس فکر می‌کرد که با این کار نشان می‌دهند که آن‌ها از توانایی بیشتری برای رهبری فلسطینی‌ها برخوردارند.»

در ۴ می، شش روز قبل از آغاز جنگ، «محمد دیف»، فرمانده نظامی حماس، بیانیه عمومی کم‌سابقه‌ای را ایراد کرد. او گفت: «این آخرین اخطار ماست. اگر تجاوز به مردم ما در محله شیخ جراح به سرعت متوقف نشود، ما نظاره‌گر نخواهیم ماند.»

گرچه هنوز وقوع جنگ بعید به‌نظر می‌رسید،

نواسه‌ی دختری داشت که در بغلان زندگی می‌کرد و آن نواسه‌ی او سال‌ها پیش به سرطان معده مبتلا شد و فوت کرد. فرزندان او حالا کجا هستند و چه کار می‌کنند؟ شما به فرزندان نواسه‌ی خاله‌ی خود فکر نمی‌کنید و با آنان - که همین حالا در زمانه‌ی شما زندگی می‌کنند - پیوند عاطفی خانوادگی ندارید. حالا تصور کنید که رابطه و پیوند شما (اگر شما فرد اول باشید) با آن فرد سی و پنج میلیونم (اگر فردی بسیار دور از شما را فرد آخر جمعیت تعیین کنیم) چه گونه است. طبیعی است که شما آن فرد را نمی‌شناسید، حتا اگر از لحاظ نژادی از همان یک زن و مردی آمده باشید که چند قرن قبل تنها دو نفری بودند که در این ملک زندگی می‌کردند. می‌بینیم که افسانه‌ی نژاد و «قوم من» به تاریکی و سردرگمی می‌رسد.

اکنون، بیایید یک آرزو بکنیم: کاش چنین نمی‌شد و این شش صد و پنجاه و دو هزار کیلومتر مربع با این سی و پنج میلیون آدم هررقم و هرچهره و هرخیال و هرمنطق و هرایدنولوژی پُر نمی‌شد.

این همان آرزوی محال است. کاشکی گفتنی است درباره‌ی چیزی که شده و اتفاق افتاده. ما در مرحله‌ای از تاریخ این سرزمین هستیم که این طور شده. این سرزمین حالا در حدود سی و پنج میلیون جمعیت دارد و جمعیتش همین گونه هست که هست.

اما یک آرزوی دیگر: گذشته گذشته، اما کاش در آینده چنان شود که در این مملکت این همه قوم و رنگ و مذهب و زبان و تنوع نباشد و یک نژاد خالص مرفه نسبتاً کم‌جمعیت و بی‌نیاز در آن زندگی کند. این آرزو هم از محالات است. این همان است که حافظ گفت: نگر تا حلقه‌ی اقبال ناممکن نجنبانی. این کاشکی نیز تحقق نخواهد یافت. چرا؟ برای این که اگر کسی پیدا شود و نود و نه درصد این جمعیت فعلی را از بین ببرد، باز بعد از چند قرن این ملک همین خواهد شد که حالا هست. باز همین تنوع و همین فاصله‌های طبیعی و همین کثرت رنگ‌ها و فکرها و همین تنگ‌شدن جا و باقی قضا یا.

چه کار کنیم؟

پاسخ: همان کاری را که از ما بهتران در دنیای مدرن کردند و می‌کنند. آنان زودتر از ما پذیرفتند که همدیگر را بپذیرند و حلقه‌ی اقبال ناممکن را نجنبانند. گفتند ما همین جامعه را با همین تنوع و تکثرش قبول داریم و تنگی جا و کمیابی منابع دیگر را نیز به‌عنوان واقعیت‌های این عصر و این مرحله از تاریخ انسان به رسمیت می‌شناسیم. اما ساکت نمی‌نشینیم و برای بهبود زندگی جمعی بخت‌مان را در جاهایی می‌آزماییم که «اقبال ممکن» به‌نظر می‌رسند. آن حلقه‌ها را می‌جنابانیم. آن اقبال‌های ممکن در کجایند؟ در ابداعات علمی، در چاره‌جویی‌های مبتکرانه‌ی عملی، در تفکر نو برای عصری نو.

در چارچوب این فکر، هوشیاران یک ملک دیگر به حذف قومی نمی‌اندیشند و بر افسانه‌ی نژاد پا نمی‌فشارند. آنان از هر فرد (بخوانید شهروندی) که برای رفع یک مشکل جمعی چاره‌ای بیندیشد و برای باز کردن یک گره از وضعیت عمومی فکر بکری عرضه کند، استقبال می‌کنند و از او نمی‌پرسند که مذهب چیست، قومت کجاست و پدر و مادرش به کدام زبان حرف می‌زنند. آنان نمی‌گویند بگذارید اول ما - که معتقدیم تعداد افراد قبیله‌ی مان بیشتر است - فکری بکنیم و بعد شما هم، اگر مصلحت بود، بیایید. آنان نمی‌گویند اگر همه بدبخت باشیم بهتر از آن است که قوم ما ناگزیر شود برای دیگران نیز در قدرت سیاسی یا در منزلت اجتماعی یا در عرصه‌ی ثروت و معرفت سهم سزاوار قایل شود.





دادگاه عالی اونتاریو: سرنگونی هواپیمای اوکراینی بر فراز تهران عمدی و تروریستی بود

۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۸ با شلیک دست‌کم دو موشک پدافند سپاه پاسداران سرنگون شد و تمام ۱۷۶ سرنشین آن که اکثرا ایرانی و شهروندان دوتابعیتی ایرانی-کانادایی بودند، جان باختند. همچنین شهروندان (از جمله دوتابعیتی‌ها) کشورهای افغانستان، بریتانیا، آلمان، سوئد و اوکراین نیز در این حادثه کشته شدند.

جمهوری اسلامی برای چند روز ساقط کردن این پرواز را انکار کرد، اما بعد از انتشار شواهد و اسنادی توسط امریکا، استرالیا، کانادا و بریتانیا، نهایتا تحت فشار بین‌المللی پذیرفت که هواپیما توسط موشک‌های سامانه دفاعی سپاه ساقط شده، اما مدعی شد این حادثه به خاطر «خطای انسانی» اتفاق افتاده است.

اوکراین بارها ناخشنودی را از روند رسیدگی به پرونده متهمان این رخداد اعلام کرده و می‌گوید که خودداری مسئولان ایرانی از ارائه پاسخ‌ها و شواهد عینی این سوءظن را تقویت می‌کند که سرنگونی هواپیمای اوکراینی عمدی بوده است؛ اتهامی که ایران آن را رد کرده و تاکید دارد «خطای انسانی» باعث شلیک به این هواپیما بوده است. اکنون رییس دادگاه عالی اونتاریو می‌گوید هنگام شلیک موشک‌های سپاه به پرواز ۷۵۲، هیچ مناقشه منطقی وجود

اطلاعات روز: به نقل از رادیو فردا، دادگاه عالی اونتاریو در کانادا روز پنج‌شنبه ۳۰ ثور در حکمی اعلام کرده است که سرنگونی هواپیمای اوکراینی توسط سپاه پاسداران اقدامی «عامدانه» و «تروریستی» بود.

به گزارش سایت خبری گلوبال نیوز کانادا، ادوارد بلوبابا رییس دادگاه عالی اونتاریو ساقط کردن پرواز ۷۵۲ توسط موشک‌های سپاه پاسداران را «اقدامی تروریستی و عمدی» ارزیابی کرده است.

شبکه سی‌بی‌سی کانادا نیز با پوشش این خبر گزارش داده است چهار نفر از بازماندگان قربانیان پرواز ۷۵۲ بصورت علنی به همراه یک خانم که نمی‌خواهد نامی از وی برده شود، علیه ایران در دادگاه اونتاریو شکایت کرده‌اند. دولت ایران هیچ نماینده‌ای به این دادگاه نفرستاده و در مقابل اتهامات از خود دفاع نکرده است.

تصمیم این دادگاه مجوزی موثر برای بازماندگان قربانیان پرواز ۷۵۲ جهت دریافت غرامت از جمهوری اسلامی است. قانون مصونیت دولتی کانادا، سپری برای جمهوری اسلامی ایران در مقابل احکام دادگاه‌های کانادا است، اما این قانون شامل اقدامات تروریستی نمی‌شود. هواپیمای اوکراینی با شماره پرواز پی‌اس ۷۵۲، در تاریخ

با ۱۰۷ درجه می‌شود و ارتباط کاربر این سامانه با مرکز هماهنگی برای شلیک موشک نیز ناموفق بوده است. رییس دادگاه عالی اونتاریو این ادعا را رد کرد.

خانواده‌های جانب‌اختگان پرواز ۷۵۲ در داخل ایران نیز ۲۶ ثور با تجمع در مقابل سازمان قضایی نیروهای مسلح خواستار اعلام جرم علیه سه مقام بلندپایه امنیتی و نظامی ایران شدند.

حامد اسماعیلیون، سخن‌گوی انجمن خانواده قربانیان پرواز پی‌اس ۷۵۲، در شبکه‌های اجتماعی نوشت که این خانواده‌ها پیرو شکایت قبلی خود علیه امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده هوافضای سپاه، این بار شکایتی علیه علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی، حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران و محمدحسین باقری رییس ستاد کل نیروهای مسلح در دادسرا ثبت کردند.

نداشته و اقدام سپاه در شلیک موشک «عمدی» بوده است. دادگاه عالی اونتاریو می‌گوید گزارش وزیر وقت امنیت اجتماعی کانادا نیز نشان می‌دهد ادعای ایران مبنی بر نقش «خطای انسانی» در سرنگونی این پرواز، درست نیست.

در همین حال، آگنس کالامارد، دبیرکل سازمان عفو بین‌الملل در رشته توثیقی، اطلاعات منتشر شده از سوی ایران در خصوص نحوه سرنگونی هواپیمای مسافربری را «گمراه کننده» خواند.

آگنس کالامارد، نوشت توضیحات رسمی مقام‌های ایران در مورد شلیک به هواپیمای اوکراینی طوری طراحی شده که «به شدت گیج‌کننده» و «گمراه‌کننده» باشد.

ایران مدعی بود یکی از سامانه‌های دفاع هوایی تهران، «پس از جابجایی»، به دلیل «خطای انسانی» و فراموش کردن اجرای مراحل الزامی بعد از جابجایی، دچار خطایی برابر



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان

معینیت مالی و اداری
ریاست تهیه و تدارکات
امریت تدارکات ساختمانی
مدیریت عمومی تدارکات ساختمانی

د کهرنی، اوبولگولو او مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري



«دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/PD/NCB/W/251/1400

ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی پروژه اعمار ۱۶ باب گرین هاوس در فارم های مرکزی ریاست جنگلات وزارت اشتراک نموده شرطنامه مربوطه را در فلش دسک (حافظه) و یا در سی دی (CD) بطور رایگان از امریت تدارکات امور ساختمانی ویا از سیستم تدارکات الکترونیکی و باز افغانستان (tenders.ageops.net) بدست آورده، آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز العمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۲۳ جوزا ۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر به تعمیر عقب منابع بشری اطاق جلسات ریاست تهیه و تدارکات ارایه نمایند، آفر های ناوقت رسیده و انترنتی قابل پذیرش نمیشد.

تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی ۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ دو صد و پنجاه هزار افغانی به صورت ضمانت بانکی بوده و جلسه آفرگشائی بتاريخ معینه ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در اطاق جلسات آفرگشائی ریاست تهیه تدارکات تدویر میگردد.



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان

د کهرنی، اوبولگولو او مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري

برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم



«دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/IFAD/SNaPP2/03012021/NCB

برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم SNAPP2 وزارت زراعت، آبیاری و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی پروژه تهیه و خریداری بسته های ابزار جهت ترویج شالی برای ولایت های بلخ، هرات، بغلان و ننگرهار را مطابق به مشخصات ارایه شده در شرطنامه اشتراک نموده، شرطنامه مربوطه را در فلش دسک (حافظه) بطور رایگان از امریت تدارکات پروژه SNAPP2 ویا از وب سایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) وهم چنان معلومات متذکره از وب سایت وزارت زراعت، آبیاری و مالداري (www.mail.gov.af) و وب سایت اکبر (www.acbar.org) بدست آورده، آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز العمل تدارکات به زبان انگلیسی طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۲۵/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر به امریت تدارکات برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم SNAPP2، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبیاری و مالداري تسلیم نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و انترنتی قابل پذیرش نمیشد. جلسه آفر گشایی پروژه متذکره بتاريخ ۲۵/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر در دفتر پروژه SNAPP2 واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبیاری و مالداري دایر میگردد. تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) صد هزار افغانی میباشد.



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
جمهوري اسلامي افغانستان

معینیت مالی و اداری
ریاست تهیه و تدارکات
امریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی

د کهرنی، اوبولگولو او مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري



«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود که وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در نظر دارد تا پروژه تدارک هفت قلم اجناس تکنالوژی برای ایجاد سیستم ویدیو کنفرانس ضرورت ریاست تکنالوژی معلوماتی با کد نمبر MAIL/PD/NCB/G79/1400 را به شرکت محترم خدمات لوژستیکی قصر فردوس دارنده جواز نمبر (۸۱۰۸۰-D-۰) به قیمت مجموعی مبلغ (۱,۱۴۳,۰۰۰) یک میلیون و یکصد و چهل و سه هزار افغانی اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري واقع کارته سخی، جمال مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده والی تکمیل میعاد فوق الذکر وطی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد نخواهد شد.



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
جمهوري اسلامي افغانستان

معینیت مالی و اداری
ریاست تهیه و تدارکات
امریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی

د کهرنی، اوبولگولو او مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري



«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود که وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در نظر دارد تا پروژه (تدارک ۹ قلم مواد خوراکی و ادویه جات مورد نیاز ماهیان سرد آبی و گرم آبی با کد نمبر MAIL/PD/NCB/G126/1400 را به شرکت تجارتي محسن سهاک دارای جواز نمبر (۴۱۱۷۲) به قیمت مجموعی مبلغ (۱,۰۹۰,۰۰۰) یک میلیون و نود هزار افغانی اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري واقع کارته سخی، جمال مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده والی تکمیل میعاد فوق الذکر وطی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد نخواهد شد.

از سرکوب تا عقب نشینی

در یک ماه ارتش چندین کندک و قرارگاه را در ولایت‌های غرب کشور رها کرده است

■ واعد روحانی - هرات

دست کم طی یک ماه اخیر نیروهای ارتش از چندین قرارگاه در ولایت‌های غربی کشور عقب‌نشینی کرده‌اند: دو قرارگاه در ولسوالی بالابلوک ولایت فراه و قرارگاه «کاریز الیاس» در ولسوالی گلران ولایت هرات. همچنین کندک نیروهای ارتش در بالامرغاب در ماه حوت به دلیل محاصره شدید طالبان و دشواری زیاد در اكمال، تخلیه شد؛ این بزرگ‌ترین تخلیه یک کندک در غرب کشور در سال گذشته به حساب می‌آید. عکس‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، نشان می‌دهد که قرارگاه‌های نیروهای دولتی پس از تخلیه، تخریب و منفجر شده یا به پایگاه طالبان تبدیل شده است.

نمایندگان مردم در شورای ولایتی و مجلس نمایندگان در صحبت با روزنامه اطلاعات روز، هشدار می‌دهند که تداوم تخلیه قرارگاه‌ها و کندک‌ها، باعث تسلط بیشتر طالبان در این مناطق و افزایش ناامنی می‌شود.

منابع محلی تخلیه این قرارگاه‌ها را تأیید می‌کنند، اما وزارت دفاع در این مورد معلوماتی ارائه نمی‌کند. سخن‌گوی وزارت دفاع به اطلاعات روز می‌گوید ارتش در حال پیش‌روی و سرکوب طالبان است و هیچ نگرانی درباره‌ی افزایش قدرت‌گیری طالبان وجود ندارد.

«وظیفه‌ی ارتش تغییر و تبدیل است»

در هفته اخیر ماه رمضان، نیروهای ارتش قرارگاه‌های «شیوان»، «پستوخان» را در ولسوالی بالابلوک را تخلیه و به «دوراهی فراه‌رود» عقب‌نشینی کرده‌اند. عبدالستار حسینی، نماینده فراه در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که طالبان وابسته به ملاصابر و ملا راشد، فشار زیاد بر این دو قرارگاه وارد کرده بودند و با انفجار بخشی از این قرارگاه‌ها و حملات تهاجمی، حکومت را به عقب‌نشینی مجبور ساخته‌اند. او یکی از دلایل از دست‌رفتن کنترل

قرارگاه‌های «شیوان» و «پستوخان» را وضعیت خراب هوا در شب می‌داند که نیروهای هوایی نتوانستند به هجوم سنگین و پرقوت طالبان پاسخ بدهند: «بر این قرارگاه‌ها از چهار طرف حمله کرده بودند. تجهیزات این نیروها را نیز با خود برده‌اند.»

شاه‌محمود نعیمی، معاون شورای ولایتی فراه می‌گوید که براساس تصمیم شورای نظامی، تمام قرارگاه‌های نیروهای دولتی در ولسوالی بالابلوک که در مسیر شاهراه ۵۱۷ موقعیت داشته، به دو راهی «فراه‌رود» منتقل شده است: «تخلیه پاسگاه‌های نیروهای ارتش در فراه باعث بلندرفتن روحیه جنگی طالبان می‌شود و باید به‌جای تخلیه، قرارگاه‌ها و پاسگاه‌ها تقویت می‌شد.»

دو راهی فراه در فاصله ۶۷ کیلومتری شرق شهر فراه و نقطه وصل شاهراه ۵۱۷ به شاهراه هرات - قندهار است. تاج‌محمد جاهد، والی فراه در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید: «وظیفه ارتش تغییر و تبدیل است.»

او به‌عنوان رییس شورای نظامی فراه درباره‌ی تخلیه قرارگاه‌ها و تهدیدات امنیتی در این قرارگاه‌ها سکوت می‌کند. آقای جاهد برای چند سال فرمانده قول اردوی ۲۰۷ ظفر بود و بیشتر از هر کس تهدیدات در فراه را درک می‌کند.

شاه‌محمود نعیمی، معاون شورای ولایتی فراه می‌گوید که ولسوالی‌های بکوا، خاکسفید، گلستان و شیب‌کوه به‌گونه‌ی کامل تحت تسلط گروه طالبان قرار دارد و در شش ولسوالی دیگر نیز سطح تهدیدهای امنیتی

شاه‌محمود نعیمی، معاون شورای ولایتی فراه می‌گوید که ولسوالی‌های بکوا، خاکسفید، گلستان و شیب‌کوه به‌گونه‌ی کامل تحت تسلط گروه طالبان قرار دارد و در شش ولسوالی دیگر نیز سطح تهدیدهای امنیتی بلند است. او هشدار می‌دهد که بیم افزایش تسلط طالبان بر جغرافیای فراه وجود دارد.

بلند است. او هشدار می‌دهد که بیم افزایش تسلط طالبان بر جغرافیای فراه وجود دارد.

حفر تونل‌های مرگبار

کندن تونل در مجاورت با قرارگاه‌های و کندک‌های ارتش از سوی طالبان در ولایت‌های بادغیس و فراه هم ویران‌گر و هم پردست‌آورد برای این گروه بوده است. منابع امنیتی در فراه می‌گویند که در ۱۲ ماه ثور طالبان با منفجر ساختن قسمتی از قرارگاه ارتش در منطقه‌ی موسوم به «شیوان» ولسوالی بالابلوک، بیش از ۲۰ سرباز ارتش را کشتند و شمار زیادی هم اسیر گرفتند. عکس‌هایی که از این قرارگاه در اختیار اطلاعات‌روز قرار گرفته نشان می‌دهد که بخش زیادی از این قرارگاه یا تخریب و یا هم غارت شده است.

در برخی مواقع که نیروهای ارتش قرارگاه‌های‌شان را در ولایت‌های غربی ترک کرده‌اند، ساکنان محل به این قرارگاه‌ها هجوم آوردند و تمام امکانات را به یغما برده‌اند. این اقدام ساکنان با موجی از انتقاد کاربران در شبکه‌های اجتماعی مواجه شده است. برخی از کاربران فیسبوک نوشته‌اند که غارت تأسیسات دولتی از سوی مردم محل نشان می‌دهد که آنان با طالبان هم‌سو هستند.

حفر تونل همچنین بارها از سوی طالبان در ولسوالی بالامرغاب (فاصله ۱۲۰ کیلومتری شمال شهر قلعه‌نو) نیز استفاده شده و به گفته‌ی منابع محلی، برای طالبان پردست‌آورد بوده و برای نظامیان افغان جنجال‌آفرین. حسام‌الدین شمس، والی بادغیس در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که هیچ برنامه نظامی برای بازپس‌گیری قرارگاه نیروهای ارتش در بالامرغاب ندارند: «چندین قرارگاه و پاسگاه در ولسوالی‌های مقر و جوند در خط اول جنگ قرار دارند و دیگر قرارگاه‌ها و پاسگاه‌ها در وضعیت خوب امنیتی قرار دارند.»

او تأکید می‌کند که نیروهای امنیتی و دفاعی بادغیس آماده دفاع و سرکوب «دشمن» هستند.

عبدالعزیز بیگ، رییس شورای ولایتی بادغیس در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که پاسگاه‌ها و قرارگاه‌های نیروهای دولتی در ولسوالی‌های قادس، مقر، آب‌کمری، جوند و شاه‌راه هرات - قلعه‌نو، زیر تهدید طالبان قرار دارد.

او از رهبری نیروهای دولتی می‌خواهد که در راستای از میان‌برداشتن تهدیدها در اطراف قرارگاه‌های نیروهای دولتی اقدام کنند، تا بار دیگر سناریوی تخلیه کندک بالامرغاب در دیگر نقاط تکرار نشود.



هرات در گفت‌وگو با اطلاعات روز تأکید می‌کند که حملات طالبان در ماه‌های حمل و ثور در هرات ناکام شده است: «دشمن خیال سقوط برخی از ولسوالی‌های هرات را داشت، اما به این رویایش نرسید. هرات قربانگاه‌ها طالب است و مردم از نیروهای امنیتی خود دفاع می‌کنند.»

او اطمینان می‌دهد که هیچ قرارگاه نیروهای دولتی به‌دست طالبان سقوط نمی‌کند.

سکوت وزارت دفاع

ولایت‌های غربی افغانستان طی سال جاری گواه درگیری‌های سنگین میان نیروهای دولتی و طالبان بوده است و هم‌اکنون نیز دو طرف درگیر در چندین جبهه با همدیگر زورآزمایی می‌کنند.

اما نگرانی جدی این است که تداوم عقب‌نشینی و تخلیه قرارگاه‌ها نیروهای دولتی، در کنار بلندبردن تهدیدات امنیتی، روحیه‌ی جنگی طالبان را در جنگ بلند می‌برد و همچنین قلمرو بیشتری را در اختیارشان قرار می‌دهد.

مقام‌ها در وزارت دفاع ملی درباره‌ی عقب‌نشینی و تخلیه چندین قرارگاه و کندک در ولایت‌های هرات، فراه و بادغیس ابراز نظر نمی‌کنند.

اما فواد امان، معاون سخن‌گوی وزارت دفاع ملی در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که هیچ نگرانی مبنی بر افزایش قدرت طالبان وجود ندارد: «طالبان شکست خورده‌اند و با گذشت هر روز تضعیف می‌شوند و نیروهای امنیتی و دفاعی در وضعیت بهتر قرار دارند و با گذشت هر روز تلفات طالبان افزایش پیدا می‌کند. کلان‌ترین حملات طالبان در ولایت‌های بغلان، هلمند و قندهار دفع شد.»

او تأکید می‌کند که نیروهای دولتی در حالت پیش‌روی در جنگ با طالبان قرار دارند و از تمام امکانات و ظرفیت برای دفاع از جان و مال مردم دفاع می‌کنند.

ولایت‌های غربی افغانستان طی سال جاری گواه شدیدترین حملات بوده است. بیم آن وجود دارد که پس از عید فطر طالبان در بیشتر نقاط به درگیری‌های خونین با نیروهای افغان بپردازند. در سویی دیگر، نیروهای افغان نیز به حالت تهاجمی روی آورده‌اند و زمینی و هوایی طالبان را هدف قرار می‌دهند.

هرات؛ قربانگاه طالبان؟

نیروهای ارتش در ۹ ثور قرارگاه‌شان را در روستای «کاریز الیاس» ولسوالی گلران هرات تخلیه کرده بودند. قول اردوی ۲۰۷ ظفر با نشر خبرنامه‌ای گفته بود که این قرارگاه مربوط به لوای پنجم سرحدی این قول اردو بوده و نیروها و تجهیزات آن اکنون به قرارگاه «کمانه» در ولسوالی کهسان منتقل شده است. به نقل از خبرنامه، این قرارگاه لوای پنجم سرحدی پس از بررسی وزارت دفاع ملی و شورای نظامی هرات، تخلیه شده است.

اما گروه طالبان ادعا کرده بود که این قرارگاه در نتیجه‌ی حمله‌ی جنگ‌جویانش سقوط کرده است. این گروه افزوده که مقدار زیادی از جنگ‌افزارهای سبک و سنگین و موثرهای زرهی نیروهای دولتی در روستای «کاریز الیاس» به دست جنگ‌جویانش افتاده است. ساکنان ولسوالی گلران به روزنامه اطلاعات روز گفته‌اند که طالبان بخشی از تأسیسات نیروهای ارتش در روستای «کاریز الیاس» را تخریب کرده‌اند.

ولسوالی‌های شیندند، پشتون‌زرغون، گلران، غوریان و فرسی نیز زیر تهدید جدی طالبان قرار دارد. ساکنان ولسوالی کهسان به روزنامه اطلاعات روز می‌گویند که گروه طالبان تمام ولسوالی فرسی به جز قرارگاه ارتش را در اختیار دارند.

محمد نور، ساکن کهسان به اطلاعات روز می‌گوید که صدها جنگ‌جوی طالب از ولایت‌های فراه و هلمند در این ولایت تجمع کرده‌اند و قصد سقوط این قرارگاه ارتش را دارند: «تمام دکان‌ها در فرسی در انفجار موتر بمب‌های طالبان تخریب شده. طالبان می‌خواهند که نیروهای ارتش ملی را در قرارگاه‌شان هدف قرار بدهند. اگر به این نیروها کمک نرسد، این قرارگاه به‌دست طالبان سقوط می‌کند.»

کامران علیزایی، رییس شورای ولایتی هرات در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز، از تهدیدات در اطراف برخی از قرارگاه‌های ارتش هشدار می‌دهد و از حکومت می‌خواهد که در راستای مهار این تهدیدات اقدام کند: «متأسفانه تهدیدات طالبان در هرات زیاد شده. حکومت تنها در مرکز ولسوالی‌ها کنترل دارد و دیگر نقاط به دست طالبان است. طالبان می‌خواهند که پاسگاه‌ها و قرارگاه‌های کلیدی را در هرات سقوط بدهند.» در همین حال، سید عبدالوحید قتالی، والی



حفر تونل در مجاورت با قرارگاه‌های و کندک‌های ارتش از سوی طالبان در ولایت‌های بادغیس و فراه برای این گروه پردست‌آورد بوده است.

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ایوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس،

واجد روحانی و فریضه عالمی

بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیرمهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۸۷۲

آدرس: کابل، کارته‌سه



هادی خوش‌نویس

از ۱۴ عقرب ۱۳۹۷ که گروه طالبان بر جاغوری حمله کرد تا حالا مسیر گیلان - جاغوری مسدود است. بسته‌بودن این مسیر مشکلات زیادی بر ساکنین جاغوری خلق کرده است. قیمت مواد خوراکی و سایر اجناس به شدت افزایش یافته و توان خرید مردم پایین آمده است. مسدودشدن مسیر گیلان - جاغوری کسب‌وکار در این بازار را با رکود روبه‌رو کرده است.

دولت می‌گوید در سال جاری تلاش می‌کند این مسیر را بازگشایی کند. اما در حال حاضر اولویت دور کردن تهدیدهای امنیتی از این بازار است. ساکنان محل می‌گویند دولت به این مشکل مردم بی‌توجه است و به درخواست آنان وقعی نمی‌گذارد.

در گذشته کسبه‌کاران کالای اقتصادی‌شان از مسیر ۲۵ کیلومتری به این بازار می‌آوردند، اما حالا ناگزیر به پیمودن ۷۵ کیلومتر از مسیر دیگر است که به افزایش چشم‌گیر قیمت‌ها منجر شده است. طبق گفته‌ی دکان‌داران و کسبه‌کاران در بازار انگوری آن‌ها پیش از بسته‌شدن مسیر گیلان - جاغوری بابت انتقال هر تن آرد از قندهار به جاغوری یک هزار و ۴۰۰ کلدار پاکستانی کرایه پرداخت می‌کردند و حالا به دلیل طولانی‌بودن مسیر مجبورند برای انتقال این مقدار آرد دوهزار و ۵۰۰ افغانی هزینه کنند.

ساکنان محل به اطلاعات روز می‌گویند ۸۰ درصد دکانداران قادر به پرداخت کرایه‌های دکان‌های خود نیستند و مردم در معرض یک تهدید بزرگ اقتصادی قرار دارند.

سه‌برابر شدن قیمت‌ها

طالبان اندکی بعد از حمله بر جاغوری توسط نیروهای مقاومت مردمی و دولتی بیرون رانده شدند. اما مسیر گیلان - جاغوری از ۱۶ عقرب ۱۳۹۷ روزی که طالبان بر این ولسوالی حمله کردند تا حالا مسدود است. بسته‌بودن این مسیر که به‌عنوان شاه‌رگ اقتصادی این ولسوالی یاد می‌شود زیان زیادی بر مردم ولسوالی جاغوری تحمیل کرده و توان خرید مردم را کاهش داده است.

به‌لحاظ موقعیت جغرافیایی «بازار انگوری» با یک‌هزار و ۵۰۰ دکان که یک‌هزار آن هنوز فعال است نزدیک به مرز ولسوالی گیلان و جاغوری قرار دارد و فاصله‌ی کم آن با شاهراه قندهار-غزنی اهمیت ویژه‌ای به آن داده است. این بازار کل منطقه‌ی ناوه ولسوالی جاغوری را که بیشتر از ۷۰ هزار نفر نفوس دارد تحت پوشش قرار می‌دهد، اما از زمان مسدودشدن مسیر گیلان - جاغوری مردم این منطقه در مضیقه‌ی شدیدی قرار گرفته‌اند. کسب‌وکار در آن کم شده و بازار در آستانه‌ی ورشکستگی قرار گرفته است.

اسحاق‌علی کشمیری سابقه‌ی ۲۵ سال کار در این بازار را دارد. آقای کشمیری می‌گوید قیمت انتقال مواد اولیه از بیرون به داخل ولسوالی جاغوری نسبت به زمان قبل از حمله طالبان بر این ولسوالی سه‌برابر افزایش یافته و این مسأله بر توان خرید مردم تأثیر منفی گذاشته است: «قبل از بسته‌شدن مسیر گیلان - جاغوری کرایه انتقال یک تن آرد از

بازار «انگوری» در آستانه‌ی رکود

دو سال بسته‌ماندن مسیر گیلان-غزنی قیمت‌ها را سه‌برابر کرده است



بازار انگوری یکی از مهم‌ترین مراکز دادوستد ولسوالی جاغوری است - عکس: شبکه‌های اجتماعی

اطلاعات روز می‌گوید: «زمستان مدتی راه قره‌باغ بسته بود. تعدادی از موترهای که تصمیم داشتند از مسیر رسنه به دهمرده رفته و از آن‌جا به بازار بیایند طالبان گفته که چرا از راه خود نمی‌روند؟ طالبان حتا دو موتر را خودشان تا سر مرز جاغوری رساندند. اما در ایستگاه بازرسی در گردنه‌ی حوتقول نیروهای دولتی دادوبیداد کردند که چرا از این راه آمدید؟ جواب راننده‌ها هم این بود که وقتی طالبان ممانعت نمی‌کند شما چرا مانع می‌شوید؟ راننده‌ها نیروهای نظامی راننده‌ها را آزاد کرده و گفته بود که موضوع را با کسی نگویند.»

جان‌علی از دکان‌داران این بازار می‌گوید که آن‌ها برای بازشدن راه جاغوری - گیلان طومار امضا کرده و به والی ولایت غزنی رساندند اما تاکنون اقدام جدی در این زمینه صورت نگرفته است.

آقای جعفری از دکان‌داران بازار انگوری می‌گوید بسته‌بودن مسیر گیلان - جاغوری پلانی است که از بالا طرح‌ریزی شده است.

داکتر حفیظ‌الله رویین که یکی از نمایندگان دکان‌داران برای حل مشکل «بسته‌بودن مسیر گیلان - جاغوری» است می‌گوید که بارها مسأله بسته‌بودن راه جاغوری - گیلان را با مقامات حکومتی در ولسوالی جاغوری و ولایت غزنی مطرح کرده، اما هنوز جواب نگرفته است: «ولسوال غیرمستقیم ما را توهین کرد. برخورد ولسوالی با ما طوری بود که از عریضه خود پیشمان شدیم. برایش گفتیم که مردم را توهین می‌کنی و می‌گویی طالب هستی. ولسوال از ما ضمانت می‌خواست گفتیم که در ۳۴ ولایت کی ضمانت کرده؟»

آقای رویین در بخشی از صحبت‌هایش از وعده‌ی معاون والی ولایت غزنی مبنی بر بازشدن مسیر گیلان - جاغوری می‌گوید که به آن‌ها وعده سپرده بود مسأله بازشدن راه جاغوری را در جلسه‌ای که سه تا چهار روز بعد دایر می‌شود با دیگر مقامات شریک می‌کند: «معاون والی گفت که در جلسه شورای امنیت هم این موضوع را می‌ماند و بعد زنگ می‌زند. اما هنوز جواب مثبت یا منفی‌شان معلوم نیست.»

پاسخ مقام‌های محلی

مقام‌های محلی در ولایت غزنی می‌گویند که بازشدن راه‌های مواصلاتی ولسوالی‌های ولایت غزنی زمان‌بر است و در حال حاضر تلاش‌ها بر این است که تهدید را از شهر دور کنند و قدم بعدی‌شان باز کردن راه‌های مواصلاتی و شاهراه کابل - قندهار و غزنی - پکتیا است.

وحیدالله جمعه‌زاده، سخن‌گوی والی غزنی می‌افزاید که دولت وعده بسیار «محکم» داده که در جریان امسال مخالفان را سرکوب کرده و راه‌های رفت‌وآمد ولسوالی‌ها را از وجود مخالفان پاکسازی کند. آقای جمعه‌زاده در پاسخ به بازشدن مسیر گیلان - جاغوری به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید: «شاید دو ماه طول بکشد که راه‌ها باز شود.» طبق معلومات ولایت غزنی در جریان سال گذشته تقریباً ۷۰۰ حلقه ماین از مسیر راه‌های مواصلاتی کشف و خنثا شده است.

که ۸۰ درصد دکان‌داران آن قادر نیستند کرایه دکان‌شان را پرداخت کنند: «بازار انگوری دروازه جاغوری است و حالا یک گونی آرد یا سمنت یک‌ونیم برابر سابق خریداری می‌کنیم.»

آقای رویین اضافه می‌کند که نرخ‌ها در جاغوری بالا رفته و کار در بازار انگوری وجود ندارد: «قبلاً روزانه ۳۰ مراجعین داشتم و حالا ۱۰ نفر مراجعین دارم که هم فقیر است و هم کم. اگر کسی نسخه‌ی دارویش یک هزار افغانی شود ۵۰۰ افغانی در جیب دارد. اکثر مریضان دارو را به قرض می‌برند.» طولانی‌شدن مسیر انتقال کالا به این ولسوالی از مهم‌ترین دلایل افزایش قیمت مواد غذایی در ولسوالی جاغوری است. فاصله بازار انگوری که از مهم‌ترین بازارهای ولسوالی جاغوری است با شاهراه قندهار - غزنی از مسیر گیلان جاغوری ۲۵ کیلومتر است و با بسته‌شدن این مسیر دکان‌داران این بازار مجبورند اموال‌شان را از مسیر ولسوالی قره‌باغ به جاغوری که ۷۵ کیلومتر است انتقال می‌دهند.

دکان‌داران و کسبه‌کاران در بازار انگوری می‌گویند برای بازشدن راه گیلان - جاغوری به ولسوالی جاغوری مراجعه کرده است اما ولسوال جاغوری از نداشتن «صلاحیت» در این مورد سخن گفته است: «نماینده‌های ما به غزنی رفتند والی وعده داده بود که شخصاً دنبال موضوع است و راه را باز می‌کند. مقامات بالا گفتند که خبر نداریم که راه جاغوری بسته است.»

به گفته‌ی مردم و دکان‌داران در بازار انگوری ولسوالی جاغوری، طالبان و اهالی منطقه‌ی رسنه در ولسوالی گیلان با بازشدن راه گیلان - جاغوری مخالفتی ندارند.

یکی از دکان‌داران در صحبت با روزنامه

آن زمان ۲۰۰ هزار افغانی فروش داشتم حالا ۱۲۰ هزار افغانی.» بشیر امیری یکی دیگر از دکان‌داران «بازار انگوری» می‌گوید نگران اوضاعی نابه‌سامان اقتصاد مردم است: «مردم قبلاً یک‌بارگی پول مواد غذایی را که می‌خریدند پرداخت می‌کردند اما حالا که مواد خوراکی می‌خرند پولش تا یک سال هم طول می‌کشد.»

جعفری در بازار انگوری دکان وسایل ورزشی دارد. از مسدودبودن راه جاغوری - گیلان به این‌طرف فروش او ۳۰ درصد کاهش یافته است. آقای جعفری می‌گوید که روی کسب‌وکارش پول زیادی را سرمایه‌گذاری کرده است اما نبودن مشتری او را نگران کرده است. آقای جعفری قبلاً برای انتقال ۶۰ تا ۷۰ کیلو از اموالش از هرات تا بازار انگوری در جاغوری یک‌هزار افغانی کرایه می‌داد، حالا این کرایه به یک‌هزار و ۵۰۰ افغانی افزایش یافته است.

محمدباقر چند سالی است که در بازار انگوری دکان بوت‌فروشی دارد. او قبلاً از بسته‌شدن راه برای انتقال ۲۰ کیلومتر از کالاهایش ۴۵۰ افغانی کرایه پرداخت می‌کرد و حالا برای انتقال این مقدار کالا بیشتر از یک هزار افغانی کرایه می‌دهد: «بسته‌بودن راه ۴۵ درصد روی کسب‌وکارم تغییرات آورده، قبلاً روز ۱۰ هزار افغانی فروش داشتم و حالا از پنج هزار افغانی بالا نمی‌رود. قبلاً روزانه ۸۰ مشتری داشتم و حالا تعداد مشتری به ۵۰ نفر می‌رسد.»

مردم در تنگنا

داکتر حفیظ‌الله رویین از داکتران بازار انگوری و یکی از نماینده‌های این بازار می‌گوید که بسته‌بودن این راه بازار را با رکود مواجه کرده و مردم را در تنگنا قرار داده است. به گفته‌ی آقای رویین وضعیت این بازار به‌گونه‌ای است



فروشگاه F45 افتتاح شد!



سرک عمومی قلعه فتح الله، بین سرک ۸ و ۹، سعادت پل، کابل - افغانستان.

www.f45.af/info